

**Drawing a Comprehensive Model for the
Islamization of Civilizational Humanities with
a Focus on the Role of Hawzas
(Based on the View of Ayatollah Khamenei) (Mudhala)**

Mohammad Azadi^{*}

Sajjad Nikkhoo^{**}

Morteza Khoshnaviszadeh Isfahani^{***}

Received on: 16/04/2025

Accepted on: 20/09/2025

Abstract

Purpose: From the perspective of Ayatollah Khamenei (may Allah have mercy on him), the Islamization of the humanities is of particular importance and necessity in achieving major objectives, such as constructing the lofty edifice of modern Islamic civilization and ensuring the success of the Islamic system. This study examines the model that should be employed for the Islamization of the humanities according to his viewpoint, and explores how Hawzaws, as centers for religious knowledge and the production of Islamic sciences, can contribute to this process. Therefore, the primary question of this research is: What are the components of a comprehensive system for the Islamization of the humanities, with a focus on the role of Hawzaws, from the perspective of

^{*} Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, Shiraz University, Shiraz, Iran. (Corresponding Author).

mohammad.azadi@ut.ac.ir

 0009-0001-2623-9728

^{**} Assistant Professor, Farhangian University, Tehran, Iran.

s.nikkho@cfu.ac.ir

 0009-0008-3569-9989

^{***} Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran.

591122@gmail.com

 0009-0008-4451-2805



Ayatollah Khamenei (may Allah have mercy on him)? To develop this comprehensive model, it is necessary to identify, on one hand, the intermediate and ultimate goals of the Islamization of the humanities, and on the other hand, the current state of the humanities and the role of Hawzaws in its advancement. Subsequently, appropriate strategies must be formulated to guide the humanities—from their current condition to the desired state and final objectives—emphasizing the role of Hawzaws. Another aspect of this research involves analyzing the strengths and weaknesses of the country's humanities, as well as the threats and opportunities it faces. It is also essential to assess the current status of Hawzaws in their role in the development of the humanities. Considering this status, the study will determine which strategies should be pursued to achieve the desired outcomes. Additionally, policies and prerequisites for development are regarded as causal factors influencing the progress of the humanities. A portion of the research will be dedicated to identifying these causal conditions.

Methodology: This research employs the content analysis method for conceptual modeling. This approach aims to identify, organize, and interpret the semantic patterns and themes present in individuals' thoughts and views through the analysis of their words (Clarke & Braun, 2012). Utilizing this model provides a foundation for addressing research issues and determining answers to research questions based on the results obtained (Delahunt & Maguire, 2017). According to Clarke and Braun's content analysis method, the process should be conducted in six stages: 1. Familiarization with the data; 2. Extraction of initial codes; 3. Searching for themes; 4. Reviewing themes; 5. Defining and naming themes; 6. Preparing the report.

Findings: In the model presented in this article, it is stated that providing the necessary prerequisites for producing divine knowledge aimed at

human happiness, as well as generating human knowledge to build a magnificent modern Islamic civilization, are among the most important overarching goals. Additionally, discovering the foundations of human sciences based on Islamic thought and worldview, integrating the Islamic worldview into existing human sciences, and achieving the capabilities and prerequisites necessary for deepening various fields of human sciences are key intermediate objectives in the Islamization of human sciences. To chart a path toward these goals, it is essential to assess the current state of the country's scientific community—particularly the Hawzas in this field—and, by identifying weaknesses, threats, opportunities, and strengths, establish the current conditions and starting point for advancing the Islamization of the humanities.

Conclusion: In this model, the prerequisites for change in the humanities and policies were identified as the causal conditions influencing the development of the humanities. The strategies for the Islamization of the humanities were regarded as the primary and most significant measures necessary to achieve the ultimate goals. Among the weaknesses, issues such as an imitative view of the Western world and scientific dogmatism were particularly important. Among the threats, the formation of a broad scientific and military front against the Iranian nation played a prominent role. The presence of certain humanities within the scientific heritage, the compatibility of the religious worldview with science, and the encouragement of scientific inquiry in Islam are the most important strengths. Additionally, the brilliance of young religious scholars in the country's scientific fields and the challenges posed by Western theories are considered the most significant opportunities that can be leveraged for the development of the humanities. In the strategic layer, approaches such as producing a scientific perspective to collect, codify, and systematize indigenous Islamic heritage and sciences, utilizing Western

sciences, infusing the Islamic worldview into existing humanities, involving scientific centers in solving the country's problems, and creating a cycle of producing scientific ideas for consumption and continuous updating were emphasized and frequently reiterated in the words of Ayatollah Khamenei.

Keywords: Supreme Leader, Humanities, Civilization, Islamization, Hawza, Comprehensive Model

ترسیم الگوی جامع اسلامی سازی علوم انسانی تمدنی با تمرکز بر نقش حوزه های علمیه (ناظر بر دیدگاه آیت الله خامنه ای مدظله)

محمد آزادی *

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۷

سجاد نیکخو **

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹

مرتضی خوش نویسنده اصفهانی ***

چکیده

از منظر آیت الله خامنه ای (مدظله)، اسلامی سازی علوم انسانی اهمیت و ضرورتی ویژه در راستای دستیابی به اهدافی کلان مانند بالا بردن بنای شامخ تمدن نوین اسلامی و موفقیت نظام اسلامی دارد. در این تحقیق بررسی شده است که از منظر ایشان، برای اسلامی سازی علوم انسانی، باید چه الگویی به کار گرفته شود و حوزه های علمیه به عنوان مراکز استکشاف معارف دینی و تولید علوم اسلامی چگونه می توانند در این فرایند ایفای نقش کنند؟ برای پاسخ به این پرسش، تلاش شده است تا دیدگاه های آیت الله خامنه ای، بر مبنای روش تحلیل مضمون انجام شده و الگوی جامع اسلامی سازی علوم انسانی تمدنی با تمرکز بر نقش حوزه های علمیه، استخراج شود. در این الگو بر مؤلفه هایی مانند شناسایی اهداف اسلامی سازی علوم انسانی، شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت ها و تهدیدهای مرتبط با اسلامی سازی علوم انسانی و راهبردها و سیاست های لازم برای اسلامی سازی علوم انسانی تأکید شده است. طبق یافته های این تحقیق، تولید علم الهی با هدف سعادت بشر و تأمین علوم لازم برای ایجاد تمدن نوین اسلامی، به عنوان اهداف کلان و کشف بنیان های علوم انسانی مبتنی بر تفکر اسلامی و جهان بینی اسلام و اشراق جهان بینی اسلامی در علوم انسانی به عنوان یکی از اهداف میانی اسلامی سازی علوم انسانی معرفی شده اند. همچنین گفتمان سازی، تدوین مبنای علمی و فلسفی تحول علوم انسانی و کشف بنیان های علوم انسانی مبتنی بر جهان بینی اسلامی و الهی و با روش اجتهادی و متقن، از جمله راهبردهای مهم اسلامی سازی علوم انسانی با تمرکز بر نقش حوزه های علمیه، به عنوان برخی از مهم ترین راهبردهای این عرصه به شمار آمده اند.

کلمات کلیدی: آیت الله خامنه ای، علوم انسانی، تمدن نوین اسلامی، اسلامی سازی، حوزه علمیه، الگوی جامع

* استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول).

0009-0001-2623-9728 mohammad.azadi@ut.ac.ir

** استادیار، گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

0009-0008-3569-9989 s.nikkho@cfu.ac.ir

*** استادیار، گروه معارف دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.

0009-0008-4451-2805 591122@gmail.com



بیان مسئله

بنا بر دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، هدف نهایی فعالیت امت اسلامی، حوزه‌های علمیه و انقلاب، نمی‌تواند کمتر از «ایجاد تمدن درخشان اسلامی» باشد. بنابراین امت اسلامی باید برای دستیابی به جایگاه تمدنی مطلوب قرآن تلاش کند (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹). یکی از مهم‌ترین مقدمات دستیابی حوزه و انقلاب به این هدف، اسلامی‌سازی علوم انسانی است. آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین اهمیت و ضرورت علوم انسانی و به تبع آن، اسلامی‌سازی علوم انسانی، تعابیر گوناگونی به کار برده‌اند:

۱. علوم انسانی، جهت‌دهنده به حرکت جامعه (شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، ۱۳۸۵/۱۱/۰۲)؛
 ۲. علوم انسانی، روح دانش (نخبگان علمی، ۱۳۹۰/۰۷/۱۳)؛
 ۳. علوم انسانی در حکم هوای تنفسی مجموعه‌های نخبه کشور (دست‌اندرکاران جشنواره مردمی فیلم عمار، ۱۳۹۱/۱۲/۰۱)؛
 ۴. تأثیر علوم انسانی بر صنعت (استادان دانشگاه، ۱۳۹۴/۴/۱۳)؛
 ۵. غیرالهی و غیرتوحیدی بودن مبانی علوم انسانی مرسوم (استادان دانشگاه، ۱۳۹۳/۰۴/۱۱)؛
- با تحلیل دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای می‌توان پی برد که از نظر ایشان، نقش‌آفرینی حوزه در اصلاح علوم انسانی از چند منظر اهمیت دارد:

۱. محوریت یافتن دین در جهان امروز (ر.ک: درس خارج فقه، ۱۳۷۸/۰۶/۲۸).
 ۲. محوریت جمهوری اسلامی در جهان و قوام جمهوری اسلامی به علمای دین: آیت‌الله خامنه‌ای در موارد گوناگونی به این موضوع اشاره کرده است. برای مثال: «امروزه قوام حرکت اسلامی دنیا به جمهوری اسلامی بوده و جمهوری اسلامی نیز به علمای دین قوام دارد» (عمامه‌گذاری طلاب، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲).
 ۳. محوریت حوزه در جامعه اسلامی: طبق نگاه آیت‌الله خامنه‌ای، حوزه علمیه، شأن مغز جامعه را دارد و باید به هدایت و راهنمایی مردم مشغول شود (روحانیون مازندران، ۱۳۷۴/۰۷/۲۲). با توجه به نیاز ویژه جامعه به علم (طلاب و دانشجویان، ۱۳۷۳/۰۹/۲۷) و لزوم هدایتگری حوزه در عرصه‌های گوناگون زندگی بشر، نیاز است که حوزه خود را به علوم انسانی لازم برای هدایتگری جامعه مجهز کند.
 ۴. محوریت حوزه در ایجاد تمدن اسلامی (استادان و طلاب قم، ۱۳۷۹/۰۷/۱۴).
 ۵. امکان‌پذیر نبودن اصلاح بنیان‌های علوم انسانی بدون حضور مؤثر علمای دین (دست‌اندرکاران جشنواره مردمی فیلم عمار، ۱۳۹۱/۱۲/۰۱)؛ طلاب نخبه حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۰۸/۰۲.
- با توجه به مطالب یادشده، اسلامی‌سازی علوم انسانی، جایگاهی مهم در جامعه و نظام دانشی دارد و

روح دانش و جهت‌دهنده به حرکت جامعه، محسوب می‌شود؛ ازسوی دیگر، حوزه‌های علمیه، ضمن محوریت در جامعه، شأن مغز متفکر جامعه را دارند و باید به‌عنوان طراح تحولات جامعه، از علوم انسانی بهره بگیرند و تحولات لازم برای ارتقای علوم انسانی به سطح مطلوب و کارآمد را بر عهده بگیرند. این هدف فقط در صورتی محقق می‌شود که علوم انسانی از وضعیت موجود تحول پیدا کند و انطباق کافی را با مبانی و آموزه‌های اسلامی پیدا کند. همچنین هدف یادشده، فقط در صورتی قابل دسترس خواهد بود که مدل و الگویی منضبط و مبتنی بر رهیافت دانش اسلامی، در اسلامی سازی علوم انسانی ترسیم و مبتنی بر آن عمل شود (حسینی و علی‌پور، ۱۳۹۱). در مقاله کنونی بررسی می‌شود که برای دستیابی به علوم انسانی تمدنی، باید از چه الگویی استفاده شود؟ همچنین با توجه به نقش محوری حوزه در عرصه علوم انسانی، حوزه علمیه در این الگو، باید چه نقش‌هایی را ایفا کند؟ بنابراین پرسش اصلی تحقیق کنونی، چپستی مؤلفه‌های نظام جامع اسلامی سازی علوم انسانی با تمرکز بر نقش حوزه‌های علمیه، از منظر آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله) است. برای ترسیم این الگوی جامع نیاز است که از یک سو، اهداف میانی و نهایی، اسلامی سازی علوم انسانی و ازسوی دیگر وضعیت کنونی علوم انسانی و نقش‌آفرینی حوزه در تحول آن، مشخص شود. پس از آن باید راهبردهای لازم برای حرکت علوم انسانی - با محوریت نقش‌آفرینی حوزه - از وضعیت موجود به سوی وضعیت مطلوب و اهداف نهایی، تعیین شود. بنابراین در بخش دیگری از تحقیق کنونی باید بررسی شود که علوم انسانی کشور، در حال حاضر چه نقاط قوت و ضعفی دارد و با چه تهدیدها و فرصت‌هایی مواجه است؟ همچنین باید مشخص شود که حوزه‌های علمیه در نقش‌آفرینی خود در تحول علوم انسانی چه وضعیتی دارند؟ با توجه به این وضعیت حوزه و علوم انسانی همچنین باید مشخص شود که با پیروی از چه راهبردهایی می‌توان به وضعیت مطلوب رسید؟ سیاست‌ها و پیش‌نیازهای تحول نیز شرایط علی اثرگذار بر تحول علوم انسانی به شمار می‌آیند. بخشی از تحقیق نیز باید به تعیین این شرایط علی اختصاص پیدا کند.

۱. پیشینه تحقیق

در باب اسلامی سازی علوم انسانی با محوریت نقش‌آفرینی حوزه، آثار گوناگونی تألیف شده است؛ برای مثال، در مقاله «فرایند اجرایی تولید علوم انسانی اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای» بر تبیین فرایندهای اجرایی اسلامی سازی علوم اسلامی تمرکز شده است. در این مقاله، دوازده مرحله برای تولید علوم انسانی اسلامی بیان شده است؛ برای مثال، بصیرت‌افزایی، ایجاد دغدغه، تأکید بر ترسیم نقشه جامع علوم انسانی، تشکیل جبهه فرهنگی و اصلاح زیرساخت‌ها، برخی از مراحل یادشده هستند. در مقاله مذکور، تبیین نقش حوزه‌های علمیه، فقط در مواردی محدود و بیشتر ذیل مرحله «تشکیل جبهه فرهنگی و اصلاح

زیرساخت‌ها» بررسی شده و مقاله یادشده، الگوی جامعی برای نقش‌آفرینی حوزه شامل اهداف و راهبردهای کلان ارائه نمی‌دهد (حیدرپور، ۱۳۹۴، ج ۵، صص ۲۶۸-۲۲۱). در مقاله «طراحی مدلی برای نقش‌آفرینی روحانیون در تمدن‌سازی اسلامی براساس الگوی داده بنیاد»، بر نقش عام روحانیون در تمدن سازی اسلامی و بیشتر به موضوعات مرتبط با نقش‌آفرینی اجتماعی مانند گفتمان‌سازی و بصرت‌افزایی متمرکز بوده است (فروهي و عبداللهي، ۱۴۰۳، صص ۲۸۵-۳۱۲). بنابراین الگوی تحول علوم انسانی، به‌طور خاص، در این مقاله بررسی و تبیین نشده است. کتاب درآمدی بر علوم انسانی اسلامی در اندیشه حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله) به موضوع علوم انسانی اسلامی در گستره عام اختصاص دارد (موسوی، ۱۴۰۳) و متمرکز بر روند اسلامی‌سازی علوم انسانی و نقش‌آفرینی حوزه‌های علمیه نیست. همچنین این کتاب بیشتر بر مباحث نرم‌افزاری و تئوریک تحول علوم انسانی مانند شرایط اسلامی اندیشیدن در علوم انسانی، نقش منابع و علوم انسانی در تولید علوم انسانی و روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی تمرکز داشته و مباحث سخت‌افزاری و نهادی ناظر بر تحول علوم انسانی را مد نظر نداشته است.

این مقاله بر ترسیم الگویی جامع و شامل موضوعاتی از قبیل تحلیل وضعیت کنونی، اهداف، راهبردها و فرایند اسلامی‌سازی علوم انسانی، تمرکز دارد؛ با توجه به فقدان تحقیقی که در پی استخراج چنین الگویی باشد، مقاله کنونی در مقایسه با تحقیقات پیشین متمایز می‌شود. همچنین بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون، برای مدل‌سازی مفهومی و تمرکز بر نقش‌آفرینی حوزه‌های علمیه در این عرصه، ازجمله شاخصه‌های متمایزکننده این تحقیق در مقایسه با تحقیقات پیشین به شمار می‌آیند. علاوه بر این، در ترسیم این الگو تلاش شده است تا ضمن بازشناسی دقیق وضعیت کنونی علوم انسانی و حوزه، مؤلفه‌های مهم شناخت این وضعیت مانند نقاط قوت و ضعف و تهدیدها و فرصت‌ها، به‌صورت تفصیلی ارائه شود. ترسیم دقیق وضعیت کنونی، گام بسیار مهمی برای طراحی راهبردها به شمار می‌آید؛ زیرا نقطه شروع حرکت را دقیق مشخص می‌کند. تبیین پیش‌نیازها و سیاست‌های لازم برای تحقق دقیق‌تر راهبردها نیز به ترسیم دقیق الگوی تحولی کمک شایانی کرده است؛ زیرا راهبردها در صورتی به موفقیت حداکثری می‌رسند که زمینه‌های علی لازم برای تأثیرگذاری آن‌ها فراهم باشد. بنابراین جامعیت الگوی ترسیم‌شده در این تحقیق، نیز یکی از فصل ممیزهای مهم این تحقیق در مقایسه با تحقیقات پیشین به شمار می‌آید.

۲. تعریف مفاهیم

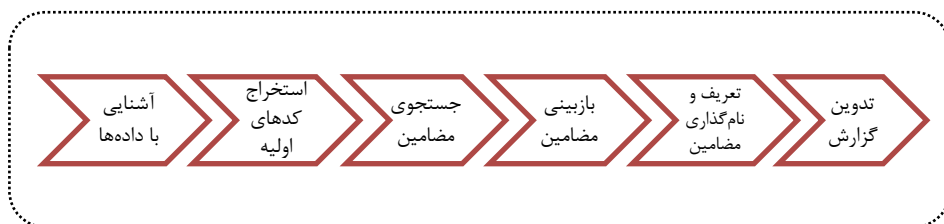
برخی از مفاهیم کلیدی این تحقیق به این شرح است:

- حوزه علمیه: این اصطلاح به مراکز تحصیل علوم دینی یا به تعبیر دقیق‌تر به نهاد آموزش نظام‌مند علوم دینی دلالت دارد (معین، ۱۳۶۰، ج ۱، ۱۳۷۸؛ حسینی، پیشگفتار، پنج).

- تمدن: «شبکه پایدار، منعطف، پویا و روبه رشد ساختارها و سیستم های معرفتی، فرهنگی و اجتماعی، در مقیاس جمعی که به دنبال پاسخ گویی به هرم نیازهای فردی و اجتماعی انسان ها در جهت یک هدف کلان در همه عرصه های زندگی است» (اعرافی، الف، ۱۳۹۵، ص ۱۰۰).
- تمدن نوین اسلامی: این اصطلاح به بازسازی تمدنی که تمام مؤلفه های آن بر محور اسلام شکل گرفته است، دلالت دارد (جان احمدی، ۱۳۸۸، ص ۵۱).
- علوم انسانی: این اصطلاح به دانش های ناظر به حالات، شئون و رفتارهای «انسان» - اعم از رفتارهای فردی یا اجتماعی، از آن حیث که منسوب به انسان - نه مشترک میان انسان و حیوان - هستند، اشاره دارد (فنائی، ۱۳۷۷، صص ۳۰-۳۲).
- اسلامی سازی علوم انسانی: این اصطلاح به بازتولید و تولید علوم انسانی، براساس باورها، مبانی و ارزش های اسلامی اشاره می کند (شریفی، ۱۴۰۲، صص ۱۱۹-۱۶۵)

۳. روش تحقیق

در این تحقیق، روش تحلیل مضمون، برای مدل سازی مفهومی استفاده شده است. در این روش، برای بازشناسی، ساماندهی و تبیین الگوهای معنایی و مضامین تفکرات و دیدگاه های اشخاص، از طریق تحلیل سخنان آن ها تلاش می شود (Clarke & Braun: 2012). پس از بهره گیری از این الگو می توان زمینه را برای مباحث مورد نظر تحقیق فراهم کرد و پاسخ پرسش های تحقیق را بر مبنای نتایج به کارگیری این الگو مشخص کرد (Delahunt & Maguire: 2017). طبق روش کلارک و براون در تحلیل مضمون، فرایند تحلیل مضمون باید در این شش مرحله انجام شود (Clarke & Braun: 2006):



شکل ۱. مراحل فرایند تحلیل مضمون

در این تحقیق، ابتدا بیانات و مکتوبات گوناگون آیت الله خامنه ای پیرامون علوم انسانی و اسلامی سازی این علوم جمع آوری می شود. سخنرانی های ایشان در حضور استادان دانشگاه های گوناگون کشور، در میان اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، در ملاقات با نخبگان علمی کشور و تعدادی از سخنرانی های

ایشان در حضور طلاب و استادان حوزه‌های علمیه در سال‌های مختلف، اصلی‌ترین سخنرانی‌های بررسی‌شده در این باب بوده‌اند. همچنین پاسخ آیت‌الله خامنه‌ای به نامه‌ای درباره کرسی‌های نظریه‌پردازی، ازجمله مکتوبات مهمی بود که در این زمینه مطالعه و فیش‌برداری اولیه شد.

در مرحله دوم، با فیش‌برداری، عنوان‌گذاری و کدگذاری سخنان آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۲ فیش و مضمون مرتبط با انسانی‌سازی علوم‌انسانی شناسایی شد. بخشی از این کدگذاری در جدول شماره ۱ بیان شده است:

جدول شماره ۱. کدگذاری

شماره کد	محتوای کد	مخاطب	مضمون مستخرج از کد
۱	یکی از مصداق‌های روشن این است که ما رویکرد مصرف‌کنندگی علم را تبدیل کنیم به رویکرد تولید علم.	استادان و نخبگان	تبدیل رویکرد مصرف‌گرایی به تولیدگری
۲	ما حالا می‌خواهیم... این موضوعات را از آن ریشه به اصطلاح غیردینی یا بعضاً ضددینی آن جدا کنیم و به یک منشأ قرآنی و یک منشأ دینی و وحیانی متصل کنیم... این یک تسلط اساسی بر کارهای دیگران لازم دارد.	کنگره بین‌المللی قرآن و علوم‌انسانی	لزوم تسلط بر فعالیت‌های علمی جهان غرب
۳	دوستان که درباره علوم‌انسانی صحبت کردند، به‌درستی روی اهمیت علوم‌انسانی، حتی در صنعت، تکیه کردند.	استادان دانشگاه	اهمیت ویژه علوم‌انسانی در عرصه‌های گوناگون
۴	تحول در علوم‌انسانی که به دلایل بسیار امری لازم و ضروری است، نیاز دارد به جوششی از درون و حمایتی از بیرون.	استادان دانشگاه	نیاز به جوشش درونی و حمایت بیرونی
۵	تحول در علوم‌انسانی که در دوره‌های گذشته نیز مورد تأکید بوده است، هنوز به سرانجام مطلوب نرسیده است، به تعویق افتادن این امور خسارت بزرگی متوجه انقلاب اسلامی خواهد کرد.	شورای عالی انقلاب فرهنگی	خسارت‌آفرین بودن ضعف در علوم‌انسانی
۶	البته این کار، کار شتاب‌آلودی نیست - کار بلندمدتی است، کار مهمی است - منتها دوستانی هم که مشغول این کار هستند، لازم است سرعت متناسب به این کار بدهند.	استادان دانشگاه	لزوم اعتدال و میانه‌روی
۷	به نظر بنده اساسی‌ترین کار هم این است که مبنای علمی و فلسفی تحول علوم‌انسانی باید تدوین شود.	شورای عالی انقلاب فرهنگی	تدوین مبنای تحول علوم‌انسانی

در مرحله سوم تلاش شد تا کدهای مرحله دوم، به مضمون‌هایی اولیه و معین تبدیل شود. مرحله چهارم به کشف مضمون‌های بنیادین و مشتمل بر ایده‌های اصلی آیت‌الله خامنه‌ای در باب انسانی‌سازی علوم انسانی، اختصاص پیدا کرد. در مرحله پنجم نیز شبکه مضامین حاکم بر دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای ترسیم شد و مضامین خرد، ذیل این الگوی کلی قرار گرفت. مرحله ششم نیز به تدوین الگوی انسانی‌سازی علوم انسانی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای اختصاص پیدا کرد.

مهم‌ترین مؤلفه‌های شبکه مضامین حاکم بر دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای عبارت‌اند از:

اول. مقوله محوری: در این تحقیق، نقش‌آفرینی حوزه در انسانی‌سازی علوم انسانی، مقوله محوری شمرده شده است؛

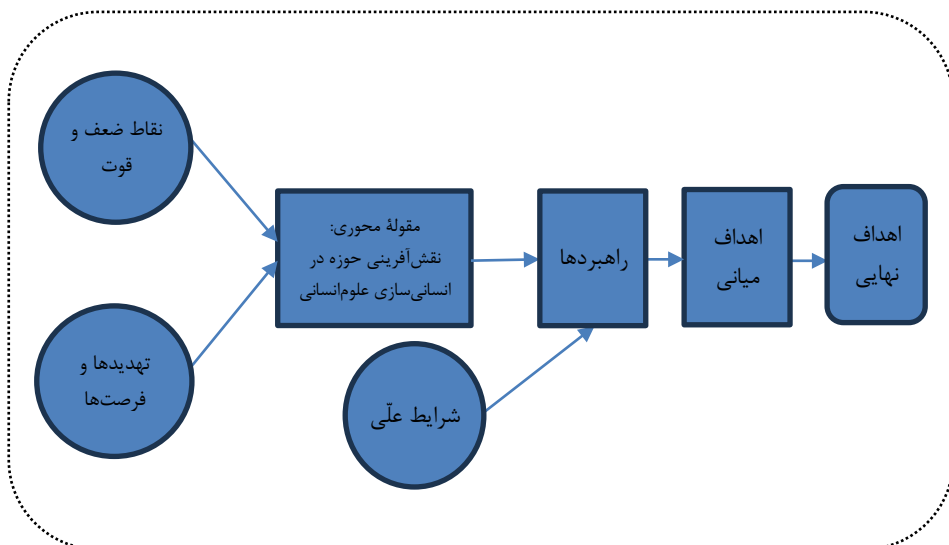
دوم. شرایط علی: پیش‌نیازهای تحول و سیاست‌هایی که به روند اسلامی‌سازی علوم انسانی و اِعمالِ راهبردها قوت می‌بخشند، ذیل این مقوله قرار می‌گیرند؛

سوم. تهدیدها و فرصت‌های موجود در عرصه تحول در علوم انسانی و نقش‌آفرینی کنونی حوزه در عرصه اسلامی‌سازی علوم انسانی؛

چهارم. نقطه‌ضعف‌ها و نقطه‌قوت‌های موجود در عرصه اسلامی‌سازی علوم انسانی؛

پنجم. راهبردهای تحول علوم انسانی و نقش‌آفرینی حوزه در این عرصه؛

ششم. اهداف نهایی و میانی مطرح در اسلامی‌سازی علوم انسانی و نقش‌آفرینی حوزه در این عرصه.



شکل ۲. ساختار کلی الگوی تحول

همچنین عناوین تهدیدها و فرصتها و نقطه‌ضعفها و نقطه‌قوتها، ذیل مقوله‌ای کلی با عنوان «وضعیت کنونی» قرار گرفت و «وضعیت کنونی علوم انسانی» از «وضعیت کنونی فعالیت حوزه در عرصه علوم انسانی» تفکیک شد، تا نمایی دقیق‌تر از این دو وضعیت ارائه شود.

در این الگوی جامعه، وضعیت کنونی، نقطه شروع حرکت و اهداف میانی و نهایی غایت حرکت به شمار آمده‌اند. راهبردها، مسیر و چگونگی حرکت از وضعیت کنونی به وضعیت مطلوب را ترسیم می‌کنند. همچنین سیاست‌ها و پیش‌نیازها، شرایط علی به شمار می‌آیند که بر تحول مقوله‌محوری و اعمال دقیق راهبردها اثرگذار هستند. درواقع، وجود این عوامل می‌تواند امکان و سرعت دستیابی به اهداف از طریق راهبردها را بهبود ببخشد.

۴. اهداف

در این بخش، ابتدا اهداف کلان اسلامی‌سازی علوم انسانی و نقش‌آفرینی حوزه در این عرصه و سپس اهداف میانی آن بیان خواهند شد:

۴-۱. اهداف کلان

اهداف کلان اسلامی‌سازی علوم انسانی و نقش‌آفرینی حوزه در این عرصه عبارت‌اند از:

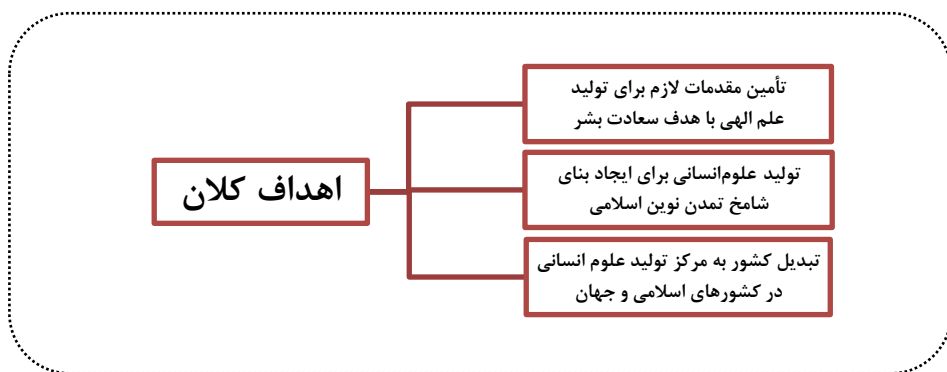
اول. تأمین مقدمات لازم برای تولید علم الهی با هدف سعادت بشر: هدف امت اسلامی از تولید علم، کمک به دستیابی بشر به شکوفایی و آرزوهای قدیمی بشر است (استادان دانشگاه تهران، ۱۳/۱۱/۱۳۸۸). این هدف کلان در باب علوم انسانی نیز صادق است.

دوم. تولید علم انسانی برای ایجاد بنای تمدن نوین اسلامی: غایت نهایی تولید علم در حوزه و سایر مراکز آموزشی باید بالا بردن بنای تمدن اسلامی باشد (طلاب قم، ۱۴/۰۷/۱۳۷۹؛ نخبگان علمی، ۲۸/۰۷/۱۳۹۵). این موضوع در روند ایجاد تمدن غرب نیز مد نظر بوده و تولید علوم در عرصه‌های گوناگون و به‌ویژه علوم انسانی، بخشی از حرکت تمدنی غرب را تشکیل داده است (اعرافی، ۱۳۹۶، ص ۶۰؛ زرنشاس، ۱۳۸۷، صص ۹۲-۹۵). این هدف در باب علوم انسانی نیز باید مد نظر قرار بگیرد و باید تلاش شود تا مراکز علمی کشور در صف مقدم تمدن‌سازی اسلامی و رشد علوم و تولید فرهنگ قرار بگیرند (پاسخ به نامه در مورد کرسی‌های نظریه‌پردازی، ۱۶/۱۱/۱۳۸۱).

سوم. تبدیل کشور به مرکز تولید علوم انسانی: توسعه علمی، یکی از مقدمات مهم برای اقتدار و نقش‌آفرینی مؤثر هر کشور در مناسبات گوناگون است (اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳/۱۰/۱۳۸۴)؛ بنابراین باید عبور از مرزهای دانش در مهم‌ترین رشته‌ها و تبدیل دانش به وسیله عزت، توانایی و قدرت

کشور هدف کشور در عرصه علمی و پژوهشی باشد (بیانیه گام دوم انقلاب). به بیان دیگر، تولید اندیشه و معارف اسلامی و تبدیل کشور و حوزه های علمیه به مهد تئوری پردازی و صدور تئوری دینی از اهداف علمی انقلاب اسلامی و حوزه های علمیه محسوب می شود (اعرافی، بی تا، بازدید از نمایشگاه دستاوردهای پژوهشی، ۱۳۹۲/۹/۲۷؛ مدیرکل صداوسیما قم، ۱۳۸۴/۱/۱۶؛ سخنان در جمع راین های فرهنگی، ۱۳۸۳/۵/۲۶). بنابراین باید برای بهره مندی کشور از حد کافی پیشرفت و توسعه علمی در عرصه های گوناگون از جمله علوم انسانی، تلاش کرد.

بنابراین از یک سو، هدف نهایی اسلامی سازی علوم انسانی، ایجاد بنای تمدن نوین اسلامی و کمک به تأمین سعادت نهایی بشر است؛ از سوی دیگر، رسالت نهایی حوزه های علمیه، تأمین سعادت نهایی بشر و در ایجاد تمدن اسلامی (استادان و طلاب قم، ۱۳۷۹/۰۷/۱۴) معرفی شده است. با توجه به اینکه اسلامی سازی علوم انسانی، مقدمه ای مهم برای نیل به اهدافی مانند ایجاد بنای تمدن نوین اسلامی است، می توان پی برد که نقش آفرینی حوزه به اسلامی سازی علوم انسانی، به عنوان کمک به تحقق مقدمه ای بسیار مهم برای دستیابی اهداف نهایی حوزه به شمار می آید. به ویژه با توجه به اینکه غالب ثرا علمی کشور و جوامع اسلامی، در حوزه های علمیه تولید و ارتقا پیدا می کنند، حوزه نقشی محوری در تحول علوم انسانی اسلامی و دستیابی آن به اهداف یادشده دارد.



شکل ۳. اهداف کلان اسلامی سازی علوم انسانی

۲-۴. اهداف میانی

برخی از اهداف میانی اسلامی سازی علوم انسانی به این شرح است:

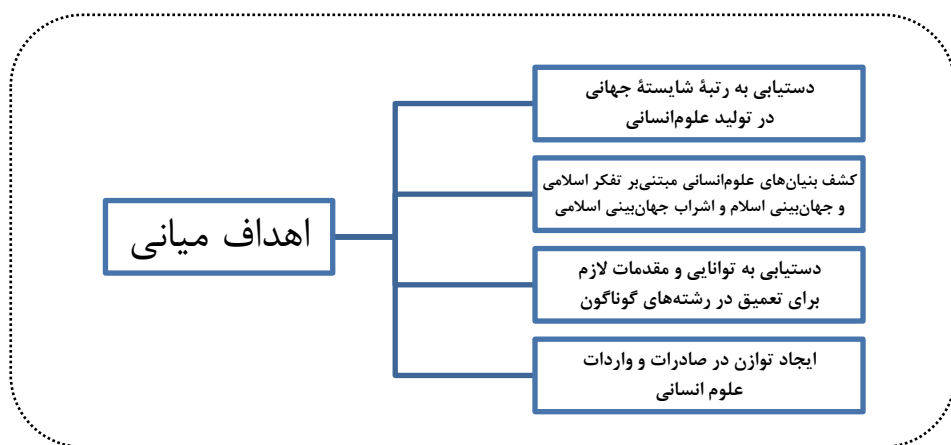
اول. دستیابی به رتبه شایسته جهانی در تولید علوم انسانی: باید تلاش شود که کشور از اسارت علمی مطلق خارج شود و به کمک تولید علم، به جایگاه علمی بالایی در میان کشورهای جهان دست پیدا کند

(استادان دانشگاه تهران، ۱۳/۱۱/۱۳۸۸). بهره‌مندی حوزه‌های علمیه از امتیازاتی مانند تراث ارزشمند علوم انسانی مانند فلسفه و اخلاق، منابع غنی معارف اسلامی، بهره‌مندی حوزه از نمایندگی‌های گوناگون در کشورهای مختلف جهان، جمع کثیر طلاب غیرایرانی شاغل در حوزه‌های علمیه و کثرت طلاب شاغل در عرصه‌های علمی مرتبط با علوم انسانی، می‌تواند مؤلفه‌ای مهم برای ارتقای جایگاه علوم انسانی کشور در سطح جهانی باشد.

دوم. دستیابی به توانایی و مقدمات لازم برای تعمیق در رشته‌های گوناگون علوم انسانی (دانشجویان، ۱۹/۰۵/۱۳۹۰): بهره‌مندی حوزه از دانش‌های ناظر به روش‌شناسی تحقیقات علمی مانند دانش اصول و متعارف بودن سنت تعمیق در دانش‌های گوناگون در حوزه‌های علمیه ازجمله شاخه‌های حوزه هستند که بر نیل به این هدف می‌توانند اثرگذار باشند.

سوم. کشف بنیان‌های علوم انسانی مبتنی بر تفکر اسلامی و جهان‌بینی اسلام و اشراق جهان‌بینی اسلامی در علوم انسانی موجود (طلاب نخبه حوزه علمیه قم، ۰۲/۰۸/۱۳۸۹): در این عرصه نیز تراث ارزشمند معارف اسلامی و تراث علوم اسلامی مانند فلسفه، عرفان، فقه و اخلاق ازجمله سرمایه‌های حوزه هستند که می‌توانند در کشف بنیان‌های علوم اسلامی، تأثیر ویژه‌ای به دنبال داشته باشند.

چهارم. ایجاد توازن در صادرات و واردات علوم انسانی: باید با تولید دانش، رابطه ایران با سایر کشورها به رابطه صادرات و واردات تبدیل شود و میان صادرات و واردات آن موازنه برقرار شود (استادان، ۲۷/۰۲/۱۳۸۸). در این زمینه، ارتباطات بین‌المللی حوزه از قبیل بهره‌مندی از نمایندگی‌های متعدد در نقاط مختلف جهان و تحصیل طلابی از بیش از صد کشور جهان در حوزه‌های علمیه می‌تواند مقدمات نقش‌آفرینی حوزه در دستیابی به این هدف را مهیا کند.



شکل ۴. اهداف میانی اسلامی سازی علوم انسانی

۵. وضعیت کنونی

در این بخش، ابتدا وضعیت کنونی علوم انسانی در کشور و سپس وضعیت کنونی فعالیت حوزه در عرصه علوم انسانی تحلیل می‌شود:

۵-۱. وضعیت کنونی علوم انسانی

برای تحلیل وضعیت کنونی علوم انسانی در کشور، نقطه ضعف‌ها، تهدیدها و نقطه قوت‌ها و فرصت‌ها در این زمینه بیان خواهند شد:

نقطه ضعف‌ها

برخی از مهم‌ترین نقطه ضعف‌های موجود در عرصه علوم انسانی عبارت‌اند از:

اول. خسارت کشور به سبب تعویق در تحول علوم انسانی اسلامی: به تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای، این امر خسارت بزرگی برای انقلاب اسلامی ایجاد خواهد کرد و باید برای رفع آن تلاش ویژه صورت گیرد (حکم آغاز دوره شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۳/۰۷/۲۶). با توجه به اینکه علوم انسانی، نرم افزار اداره و ارتقای هر کشور به شمار می‌آید، ابعاد گسترده این خسارت، در عرصه‌های گوناگون حکمرانی کشور مشاهده می‌شود. به ویژه که در حال حاضر در بسیاری از موارد، از تئوری‌های غربی برای رفع خلأهای موجود در کشور استفاده شده و این امر، کشور را از آرمان‌های اسلامی، دورتر کرده است.

دوم. تعارض علوم انسانی غربی با جهان‌بینی اسلامی: علوم انسانی رایج، محتوایی دارد که از نظر ماهیتی مخالف با اسلام و متکی بر جهان‌بینی غیرالهی است. بنابراین تربیت انسان‌ها برحسب این علوم انسانی خطرات گسترده‌ای برای کشور و نظام اسلامی به دنبال خواهد داشت (طلاب، ۱۳۸۹/۰۷/۲۹). با توجه به اینکه در غالب سطوح آموزشی و مدیریتی کشور، به سبب فقدان یا کمبودهای موجود در ارتقای علوم انسانی اسلامی، علوم غربی جایگزین علوم اسلامی شده و به ویژه در نهادهای آموزشی، علوم غربی نهادینه شده‌اند، این تعارض، علاوه بر مقام اثبات، در مقام ثبوت نیز مشکلات فراوانی را به دنبال داشته است.

سوم. راضی کننده نبودن پیشرفت علم کشور در عرصه علوم انسانی (بانوان قرآن‌پژوه، ۱۳۸۸/۰۷/۲۸): با توجه به گستره نیازهای ملی و حتی بین‌المللی به علوم انسانی اسلامی و سرعت پیشرفت علمی بشر در عرصه‌های گوناگون، نیاز است که پیشرفت علمی کشور، علاوه بر رفع کمبودهای کنونی، با سرعت

پیشرفت نیازهای بشری نیز متناسب باشد؛ اما متأسفانه، در حال حاضر، علوم انسانی سرعت لازم را برای رفع این خلأها ندارد.

چهارم. تبلی و نگاه تقلیدی در عرصه علوم انسانی: در عرصه علوم انسانی به دلایلی مانند سوء مدیریت، تبلی و نگاه تقلیدی، عقب ماندگی‌هایی ایجاد شده است (استادان دانشگاه، ۱۳۸۵/۰۷/۱۳). به ویژه با توجه به ترسیم جایگاهی بی‌بدیل برای علوم انسانی غربی در سطوح گوناگون آموزشی و مدیریتی کشور، تصور رقابت با علوم غربی یا جایگزینی علوم انسانی غربی در بسیاری از اذهان فعال در این عرصه‌ها، بسیار دشوار به نظر می‌آید و این امر، به توسعه نگاه تقلیدی، کمک شایانی می‌کند.

پنجم. اکتفا به واردات علم و تقلید از غرب (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۴/۱۰/۱۳): با توجه به تفاوت پارادایمی میان علوم انسانی غربی و اسلامی و تعارض این دو پارادایم در بسیاری از موارد، این نقطه ضعف، تأثیری ویژه در عدم موفقیت مجموعه‌های آموزش و مدیریتی کشور دارد.

ششم. جدی نشدن عزم‌ها برای خط‌شکنی علمی (استادان دانشگاه، ۱۳۸۵/۰۷/۱۳): برای موفقیت در تحول علوم انسانی، نیاز است که قاطبه نهادها و اشخاص فعال در این زمینه، عزمی جدی برای خط‌شکنی علمی داشته باشند؛ اما این عزم، در بسیاری از نهادها و اشخاص ایجاد نشده از این رو پشتوانه لازم برای تحول در این زمینه فراهم نشده است.

هفتم. تحجر، تسلیم و جزمی‌گری علمی: تعبد علمی، جزمی‌گری، دائمی دانستن محتوای متون غربی، تکرار محتوای متون بیگانه و عدم تلاش برای نقد این متون یکی از نقطه ضعف‌هایی است که در مراکز علمی کشور وجود دارد (دانشجویان و استادان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۰۹). این تحجر بر عرصه درک و شناخت نیازهای واقعی کشور نیز می‌تواند تأثیرگذار باشد و محققان را از نیازهای واقعی کشور مغفول سازد (جمالی و دیگران، ۱۳۸۶، صص ۱۱۸-۱۱۹).

هشتم. تبدیل حوزه و دانشگاه به مصرف‌کنندگان اندیشه‌های غربی (بانوان قرآن‌پژوه کشور، ۱۳۸۸/۰۷/۲۸): با ایجاد نشدن علوم انسانی اسلامی در عرصه‌های مورد نیاز علمی، حتی حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های کشور نیز در برخی زمینه‌ها مانند روش‌شناسی از اندیشه‌های غربی استفاده می‌کنند.

نهم. غریب و منزوی بودن علوم انسانی در ایران (اعضای شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، ۱۳۸۵/۱۱/۰۲): به ویژه در نظام آموزشی کشور، علوم انسانی جایگاه شایسته‌ای پیدا نکرده است و در بسیاری از موارد، استعدادهای علمی کشور و بودجه‌های آموزشی و پژوهشی، جذب علوم دیگر می‌شوند.

دهم. سهل‌گیری اولیه در پذیرش علوم انسانی غربی: هنگام ورود علوم انسانی به کشور، مجموعه‌های فکری اسلامی، با این علوم، آشنایی نداشتند و در پذیرش علوم انسانی غربی، نوعی سهل‌گرایی، رواج

یافته و تلاش نشد تا این علوم بر پایه مبانی بومی اسلامی و ایرانی نقد و بررسی شود (اعضای شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، ۱۳۸۵/۱۱/۰۲).

یازدهم. تقلید از برخی نظریات منسوخ غربی: با وجود اینکه در برخی عرصه‌های علوم انسانی نظریات جدیدی رواج یافته، اما برخی مجموعه‌های دانشی کشور همچنان به نظریات منسوخ تمسک می‌کنند (دانشجویان و استادان دانشگاه‌های استان همدان، ۱۳۸۳/۰۴/۱۷).

دوازدهم. شروع نشدن روند مناسب در تولید علوم انسانی (استادان دانشگاه، ۱۳۸۲/۰۸/۰۸).

تهدیدها

برخی از مهم‌ترین تهدیدهای موجود در عرصه علوم انسانی به این شرح است:

اول. القای ناتوانی در تولید علم: جهان غرب تلاش کرده تا نه فقط از لحاظ سیاسی و امنیتی، بلکه از لحاظ فرهنگی نیز کشور را عقب نگه دارد. مصداق این مطلب در عرصه دانشی، القای احساس ناتوانی ایرانیان در تولید علم است (دانشجویان و استادان دانشگاه‌های استان همدان، ۱۳۸۳/۰۴/۱۷).

دوم. تشکیل جبهه وسیع علمی و نظامی در مقابل ملت ایران: در دوره کنونی قدرت‌های اقتصادی، علمی، نظامی و امنیتی ردیف اول دنیا، جبهه وسیعی در مقابل ملت ایران ایجاد کرده‌اند. بنابراین تلاش کرده‌اند تا به تمام مراکز قدرت‌افزایی کشور حمله کنند. مراکز علمی کشور نیز از جمله مواردی هستند که مورد حمله جبهه وسیع غرب قرار گرفته‌اند. این هجمه در قالب‌هایی مانند علم‌زدایی، دین‌زدایی و دور کردن تفکر انقلابی از مراکز علمی، نمود پیدا کرده است (استادان دانشگاه، ۱۳۹۰/۰۶/۰۲).

سوم. تلاش جهان غرب برای تبدیل علم به ابزار استعمار و تحقیر ملت‌ها (مسئولان جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳/۰۴/۰۱) و بهره‌گیری از علوم نوین مانند علوم اجتماعی برای زمینه‌سازی سلطه جهان غرب (روحانیون اصفهان، ۱۳۸۰/۰۸/۰۸).

چهارم. تلاش جهان غرب برای اثبات سکولار بودن ذات علم (مسئولان جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳/۰۴/۰۱).

پنجم. غافل نگه داشتن کشورها از علوم انسانی: استکبار جهانی تلاش کرده تا کشورها را از فعالیت‌های اساسی مانند پرداختن به علوم انسانی غافل کند و صرفاً به امور روزانه سرگرم کند (شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، ۱۳۸۵/۱۱/۰۲).

ششم. بزرگ‌نمایی در پیشرفت علمی غرب: برخی مسئولان جامعه تلاش کرده‌اند تا به اسم واقع‌بینی، غرب را دارای موضعی والا و دست‌نیافتنی معرفی کنند (دانشجویان، ۱۳۸۷/۰۷/۰۷).

هفتم. نپذیرفتن تولیدات علوم انسانی به وسیله مراکز غربی: برای مثال جامعه علمی کشور گاهی در زمینه

کارهای تحقیقاتی و درج مقالات علمی خود در مجلات I.S.I با مشکلاتی مواجه می‌شود و برخی مجلات تلاش دارند که به‌خصوص در زمینه علوم انسانی، مقالات کشور ما را چاپ نکنند (رؤسای دانشگاه‌ها، ۱۳۸۳/۱۰/۱۷).

هشتم. ایجاد دل‌بستگی، تحسین و پرستش دستاوردهای غرب: برخی استادان و فعالان علمی که چنین احساساتی را به محیط علمی کشور القا می‌کنند، نه تنها به حال محیط علمی کشور مفید نیستند، بلکه مضر نیز محسوب می‌شوند (استادان دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹).

نهم. از دست دادن نخبگان: بخشی از نخبگان کشور به‌سبب مأیوس شدن از برخی شرایط جامعه علمی و دام‌هایی که به‌وسیله کشورهای بیگانه برای آن‌ها پهن شده، کشور را رها کرده و مهاجرت می‌کنند (نخبگان علمی، ۱۳۹۵/۰۷/۲۸).

دهم. جنگ نرم: این جنگ از درون کشور به‌وسیله برخی غرب‌پرستان و افراد سست‌عنصر، مادی و فریب‌خورده دنبال می‌شود و تلاش می‌شود تا با عناوینی مانند ورود به جامعه جهانی، وابستگی علمی و فرهنگی در جامعه ایجاد شود (نخبگان علمی، ۱۳۹۵/۰۷/۲۸).

یازدهم. تلاش دشمن برای ترویج هرزه‌پویی و ولنگاری عقیدتی در محیط‌های علمی (استادان دانشگاه، ۱۳۹۰/۰۶/۰۲).

دوازدهم. ارائه تحلیل‌های غیرواقعی به‌وسیله دشمن: دشمن به‌وسیله رسانه‌های متعددش تلاش می‌کند تا با هدف مقابله با جمهوری اسلامی و نظام اسلامی و ملت ایران، تحلیل‌هایی غیرواقعی در جامعه شیوع بدهد و محافل علمی کشور را تحت‌تأثیر قرار دهد (استادان دانشگاه، ۱۳۹۰/۰۶/۰۲).

سیزدهم. کثرت دانشجویان علوم انسانی در عین بومی نشدن این رشته‌ها: باوجود تعداد کثیر دانشجویان علوم انسانی و بومی نشدن این دانش‌ها، عملکرد کنونی مجموعه‌های دانشی و آموزشی درواقع به‌منزله انتقال شکاکیت، تردید و بی‌اعتقادی به مبانی و ارزش‌های الهی و اسلامی، در قالب‌های درسی به جوان‌ها است (استادان دانشگاه، ۱۳۸۸/۰۶/۰۸).

نقطه قوت‌ها

در این بخش، برخی از نقطه‌قوت‌های موجود در عرصه علوم انسانی بیان خواهد شد:

اول. وجود برخی علوم انسانی در تراث علمی: بسیاری از علوم انسانی و به‌ویژه بنیان‌های آن در فرهنگ گذشته و تراث اسلامی و ایرانی کشور وجود دارد (استادان دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹).

دوم. سازگاری جهان‌بینی دینی با علم و تشویق به علم در اسلام: در جهان‌بینی اسلامی، علم از دل دین می‌جوشد و بهترین مشوق علم، دین است. همچنین جهان‌بینی اسلامی، تصویری سازگار با علم در

عرصه‌های گوناگون مانند آفرینش، انسان، ماوراء الطبیعه، توحید و مشیت الهی ارائه می‌دهد؛ بنابراین جهان‌بینی اسلامی تولیدکننده و تشویق‌کننده علم است (استادان دانشگاه، ۱۳۸۳/۰۹/۲۶). به‌ویژه باید توجه داشت که علم در فرهنگ اسلامی، برخلاف فرهنگ غربی، هویتی دینی و الهی دارد (پارسانیا، ۱۳۸۵، ص ۱۴۸) و ترویج این رویکرد اصیل اسلامی در جامعه اسلامی، می‌تواند به تسریع تولید علوم انسانی اسلامی مبتنی بر اهداف، انگیزه‌ها و جهان‌بینی اسلامی کمک شایانی کند.

فرصت‌ها

در این بخش، برخی از فرصت‌های موجود در عرصه علوم انسانی بیان خواهد شد:

اول. تبدیل تولید علم به یک گفتمان و خواست عمومی در کشور (استادان و دانشجویان کردستان، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷؛ استادان دانشگاه‌ها، ۱۳۸۵/۰۷/۱۳).

دوم. ایجاد جوشش درونی برای تحول علوم انسانی (استادان دانشگاه‌ها، ۱۳۹۴/۰۴/۱۳).

سوم. درخشش جوان‌های متدین و دانشمندان جوان دینی در عرصه‌های علمی کشور (استادان دانشگاه‌ها، ۱۳۹۰/۰۶/۰۲).

چهارم. نیروی جوان، مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی، مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور (بیانیه گام دوم انقلاب).

پنجم. دچار مشکل شدن تئوری‌های غربی: بسیاری از تئوری‌های غربی در عرصه‌هایی مانند اقتصاد، سیاست و مدیریت موفق نبوده‌اند و این امر موجب تشویق بیشتر متفکرین اسلامی برای تولید دانش‌های بومی می‌شود (استادان دانشگاه‌ها، ۱۳۹۰/۰۶/۰۲). در این زمینه، به‌ویژه مبانی‌ای از قبیل جزئی‌نگری مورد قبول در دیدگاه‌های پوزیتیویستی و نفی نگاه جامع به علوم و اموری مانند حکمت و سنت، نقشی مهم در ایجاد بحران‌های گوناگون اخلاقی و معرفتی داشته است (فنائی، ۱۳۹۱). ناموفق بودن تئوری‌های غربی تا آنجا پیش رفته که برخی از اندیشمندان غربی مانند فردینان، ورشکستگی علم را اعلام کرده‌اند (جعفری، ۱۳۷۸، ص ۱۴۹).

ششم. بارز بودن روح تعهد در امور اجتماعی در مجموعه‌های علمی: امروزه بسیاری از استادان و دانشجویان کشور احساس تعهد ویژه به امور اجتماعی کشور دارند (استادان دانشگاه‌ها، ۱۳۸۳/۰۹/۲۶).

هفتم. بهره‌مندی کشور از استعدادها و امکانات مناسب (استادان دانشگاه‌ها، ۱۳۸۳/۰۹/۲۶).

هشتم. رشد پیشرفت علمی کشور و رسیدن سرعت پیشرفت علمی کشور به چندین برابر متوسط جهانی (نخبگان علمی جوان، ۱۳۹۵/۰۷/۲۸).

جدول شماره ۲. تحلیل وضعیت کنونی علوم انسانی

تعویق در تحول	نقطه ضعف‌ها	مهم‌ترین شاخصه‌های وضعیت کنونی علوم انسانی	
تعارض علوم انسانی غربی با جهان‌بینی اسلامی			
راضی‌کننده نبودن پیشرفت در عرصه علوم انسانی			
نگاه تقلیدی در عرصه علوم انسانی			
اکتفا به واردات علم			
دوری از مرزهای علمی مطلوب			
کمبود سرعت تولید علم			
تجبر			
وجود برخی علوم انسانی در تراث علمی	نقطه قوت‌ها		تهدیدها
سازگاری جهان‌بینی دینی با علم و تشویق به علم در اسلام			
القای ناتوانی در تولید علم	فرصت‌ها		
تشکیل جبهه وسیع علمی و نظامی در مقابل ملت ایران			
تلاش جهان غرب برای تبدیل علم به ابزار استعمار و تحقیر ملت‌ها			
تلاش جهان غرب برای اثبات سکولار بودن ذات علم			
غافل‌نگه داشتن کشورها از علوم انسانی			
بزرگ‌نمایی در پیشرفت علمی غرب			
جنگ نرم			
از دست دادن نخبگان			
تبدیل تولید علم به یک گفتمان و خواست عمومی در کشور	فرصت‌ها		
ایجاد جوشش درونی برای تحول علوم انسانی			
درخشش جوان‌های متدین و دانشمندان جوان دینی در عرصه‌های علمی کشور			
دچار مشکل شدن تئوری‌های غربی			
بهره‌مندی کشور از استعدادها و امکانات مناسب			
رشد پیشرفت علمی کشور			

۲-۵. وضعیت کنونی فعالیت حوزه در عرصه علوم انسانی

در این بخش، وضعیت کنونی فعالیت حوزه در عرصه علوم انسانی بررسی خواهد شد:

نقطه ضعف‌ها

برخی از مهم‌ترین مشکلات و نقطه‌ضعف‌های حوزه در عرصه علوم انسانی به این شرح است:

اول. عقب ماندن حوزه از زمان و عدم شناخت صحیح برخی حوزویان از شرایط زمان و جامعه (شورای عالی حوزه قم، ۱۳۷۷/۰۷/۰۹): با اینکه حوزه در مقایسه با پانصد سال قبل پیشرفت فراوانی کرده، اما امروزه حوزه‌های ما در بسیاری از میدان‌ها از زمان عقب هستند (طلاب مشهد؛ ۱۳۷۶/۰۴/۲۲). آیت الله خامنه‌ای در ترسیم عقب بودن حوزه از عصر خویش می‌فرماید:

«امروز، حوزه علمیه از زمان خودش خیلی عقب است. حساب یک ذره و دو ذره نیست. مثل این است که دو نفر سوار بر اسب، در وادی‌ای همراه یکدیگر بروند و یکی اسبش از دیگری تندروتر باشد و آن که اسبش کندروتر است، بعداً به اتومبیل دست پیدا کند. طبیعی است آن که اسبش تندروتر است، به گرد او هم نمی‌رسد... ما وقتی به خودمان نگاه می‌کنیم، می‌بینیم با زمان خیلی فاصله داریم.»

عقب ماندن در عرصه‌هایی مانند تحقیق پیرامون اخلاق، دانش حقوق، فلسفه، کلام و مباحث دین‌شناسی و استفاده از تکنولوژی، برخی نواقص حوزه در عصر کنونی هستند (فضای حوزه قم، ۱۳۷۴/۰۹/۱۴).

دوم. عدم گسترش متناسب و کمی روحانیت در عرصه‌های گوناگون از جمله عرصه‌های علمی (فضای حوزه قم، ۱۳۷۴/۰۹/۱۴).

سوم. عدم گسترش محتوایی حوزه در عرصه‌های مورد نیاز (فضای حوزه قم، ۱۳۷۴/۰۹/۱۴). چهارم. بهره نگرفتن صحیح و کامل از استعداد های موجود در حوزه (فضای حوزه قم، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰). پنجم. دور بودن برنامه حوزه از نیازهای دنیا (روحانیون مشهد، ۱۳۶۹/۰۱/۰۴).

ششم. ضعف در سازماندهی و نظم در تحقیقات حوزوی (فضای حوزه، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).

هفتم. ضعف حوزه در استفاده از تکنولوژی (فضای حوزه، ۱۳۷۴/۰۹/۱۴).

هشتم. کثرت موضوعات و نیازهای عرضه شده به حوزه: حوزه‌های علمیه باید پایه‌های تفکر و جهان‌بینی اسلامی، مبانی نظام اسلامی، ارکان و خطوط اصلی انقلاب اسلامی را توضیح بدهد و سپس ارکان نظام جمهوری اسلامی، اقتصاد، سیاست، روابط جمعی، روابط فردی، اخلاق و فرهنگ و جایگاه علم را در آن شرح دهد (فضای حوزه، ۱۳۷۰/۱۲/۰۱).

نهم. ضعف در روش‌های تحقیق: برای مثال، اکتفا به روش‌های فردی از جمله نقطه‌ضعف‌های حوزه در عرصه‌های پژوهشی است (درس خارج، ۱۳۷۰/۰۶/۳۱).

دهم. برخی چالش‌های علوم حوزوی عبارت‌اند از:

۱. منزوی بودن قرآن خارج از حوزه (درس خارج، ۳۱/۰۶/۱۳۷۰)؛
۲. عقب بودن در تحقیق پیرامون اخلاق (فضای حوزه، ۱۴/۰۹/۱۳۷۴)؛
۳. عقب بودن در علم حقوق (فضای حوزه، ۱۴/۰۹/۱۳۷۴)؛
۴. عدم گسترش فقه به زمینه‌های نوظهور و عدم پیشرفت روش فقاهاست (فضای حوزه، ۱۴/۰۹/۱۳۷۴)؛
۵. ضعف در نگاه به دین و فقه به‌عنوان قالب و شکلی برای حکومت (فضای حوزه، ۳۰/۱۱/۱۳۷۰)؛
۶. محدود بودن سطح تفکرات و معرفت فلسفی ما در جامعه و بین علمای دین و عدم توسعه کافی جریان فلسفی (نخبگان حوزوی، ۲۹/۱۰/۱۳۸۲)؛
۷. عدم تمرکز مرکز فلسفه و انتقال مرکز فلسفه به مناطق مختلف (نخبگان حوزوی، ۲۹/۱۰/۱۳۸۲)؛
۸. ضعف در امتدادبخشی فلسفه اسلامی به عرصه‌های سیاسی و اجتماعی (نخبگان حوزوی، ۲۹/۱۰/۱۳۸۲)؛
۹. عقب بودن در مباحث دین‌شناسی و فلسفه دین (فضای حوزه، ۱۴/۰۹/۱۳۷۴).

تهدیدها

برخی از مهم‌ترین تهدیدهای موجود در برابر نقش‌آفرینی حوزه در عرصه علوم انسانی عبارت‌اند از:

اول. تحجّر و میل به عدم تحول در برخی بخش‌های حوزه: این امور موجب عدم تحول شده و عدم تحول به پوسیدگی و مردگی منجر می‌شود (طلاب مشهد، ۲۲/۰۴/۱۳۷۶).

دوم. خطرات ناشی از کج‌فهمی و عدم درک صحیح واقعیت‌های جامعه در حوزه‌های علمیه (مجمع نمایندگان طلاب قم ۱۱/۰۴/۱۳۶۹).

سوم. به بازار آمدن اندیشه‌های مغشوش در خلأ اندیشه‌های ناب: وقتی خلأ بیان اندیشه‌های ناب و قدیم و صحیح مشاهده شد، اندیشه‌های مغشوش، غش‌دار، ناسالم و ناصحیح به بازار می‌آید. امروزه در بازار اندیشه اسلامی، به سبب عدم عرضه کافی مفاهیم علی دینی و اسلامی، افرادی به عرضه اندیشه پرداخته‌اند که شایستگی لازم را ندارند (شروع درس خارج، ۱۳۷۹).

چهارم. رقیب‌سازی برای فلسفه اسلامی در ایران و تأکید بر مکاتب غربی در مراکز علمی و آموزشی (نخبگان حوزوی، ۲۹/۱۰/۱۳۸۲).

پنجم. وجود مخالفت‌ها و موانع فراوان در مسیر رشد فلسفه اسلامی در دوره‌های اخیر (نخبگان حوزوی، ۲۹/۱۰/۱۳۸۲).

نقطه قوت ها

بعضی از نقطه قوت های حوزه به این شرح است:

- اول. بهره‌مندی از تراث علمی و محتوایی ارزشمند (کنگره دایرة المعارف فقه اسلامی، ۱۳۷۲/۱۱/۱۴): برای مثال تراث قرآنی، حدیثی و فقهی از جمله این موارد هستند.
- دوم. عمق علمی حوزه های علمیه (فضای حوزه قم، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).
- سوم. بهره‌مندی از امتیازات فلسفه اسلامی: فلسفه اسلامی، از فاخرترین عناصر معرفت یعنی عقل منطقی، شهود عرفانی و وحی قرآنی بهره‌مند بوده و فلسفه اسلامی به‌ویژه در اسلوب و محتوای حکمت صدرایی می‌تواند به نقش‌آفرینی به‌عنوان پایه دانش، فرهنگ و تمدن کشورهای اسلامی ایفای نقش کند (کنگره بزرگداشت ملاصدرا، ۱۳۷۸/۰۳/۰۱).

فرصت ها

بعضی از فرصت ها به این شرح است:

- اول. حضور در معادلات جهانی: تا پیش از تحقق انقلاب اسلامی، فعالیت حوزه های علمیه ایران بسیار کمتر بود، ولی با تحقق انقلاب اسلامی، حوزه های علمیه کشور دچار تحولات گسترده شدند و زمینه برای حضور جهانی و گسترش فعالیت ها گوناگون این نهاد در سرتاسر جهان به وجود آمد (اعرافی، ب، ۱۳۹۵، صص ۲۸۱-۲۸۲). همچنین تا پیش از دو قرن اخیر، جهان اسلام، در حوادث جهانی نقش‌آفرینی اندکی داشته است؛ اما با وقوع انقلاب اسلامی و تحقق نظام اسلامی، اسلام از حاشیه معادلات اجتماعی و سیاسی جهان خارج شده و در مرکز عناصر تعیین‌کننده حوادث عالم، جایگاهی طراز اول پیدا کرده است (بیانات رهبری در اجلاس پیداری اسلامی، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹؛ اعرافی، بی‌تا، سخنرانی در همایش حوزه بین‌الملل، حوزه تمدن‌ساز).
- دوم. بهره‌مندی حوزه از استعدادهای درجه یک و فضایی جوان خوش فکر، آشنا با موضوعات علمی حوزه، امور کشور و مسائل زمان و دارای انگیزه های جوانی (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه ۱۳۷۶/۰۸/۱۳؛ فضای حوزه قم، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰؛ نخبگان حوزوی، ۱۳۸۲/۱۰/۲۹).
- سوم. حضور فعال در عرصه دانش و تولید معارف جهانی: حضور فعال بخش های بین‌المللی حوزه مانند جامعه المصطفی در تولید علم در سطح جهانی و عرصه های علمی مانند همایش ها، نشست ها، کرسی ها و مجلات و نشریات علمی از جمله مصداق های این حضور فعال هستند (اعرافی، بی‌تا، سخنان در بازدید از نمایشگاه دستاوردهای پژوهشی، ۱۳۹۲/۹/۲۷). چاپ چندصد کتاب علمی بین‌المللی و نشر حدود صد مجله علمی در هر سال، از جمله دستاوردهای علمی بخش های بین‌المللی

حوزه مانند جامعه المصطفی هستند (اعرافی، بی‌تا، اندیشمندان کوزوو، ۱۶/۲/۱۳۹۳).
چهارم. ایجاد شبکه جهانی علمی: با اشتیاق وافر بین‌المللی به معارف اهل‌بیت، حوزه‌های علمیه توانسته‌اند شبکه تولید علم خویش را به کشورهای متعددی منتقل کنند و در حال حرکت به سمت تبدیل شدن به کانونی برای تولید و صدور معارف اسلامی هستند (اعرافی، بی‌تا، مراسم امضای تفاهم‌نامه همکاری با کمیته امداد، ۱۴/۱۲/۱۳۹۲؛ دیدار با آیت‌الله صافی گلپایگانی، ۱۱/۷/۱۳۸۳).

پنجم. ایجاد ارتباط علمی با سایر مراکز علمی جهان: حوزه‌های علمیه توانسته‌اند با توسعه فعالیت‌های بین‌المللی خود، ارتباطاتی علمی با مراکز علمی کشورهای اسلامی و ادیان ابراهیمی و حتی مراکز علمی غیردینی و دانشگاهی در نقاط مختلف جهان برقرار کنند (اعرافی، بی‌تا، دانشکده الهیات دانشگاه توکیو، ۲۶/۲/۱۳۹۲).

ششم. رقابت پویا با جریان‌های فکری رقیب: حوزه‌های علمیه توانسته‌اند با جریان‌های فکری رقیب مانند وهابیت، رقابت پویای علمی داشته باشند و در عرصه‌های علمی، به هم‌آوردی با این جریان‌های رقیب بپردازند (اعرافی، بی‌تا، دوره آموزش ائمه جماعات مدارس کشور، ۱/۶/۱۳۸۵).

هفتم. تأثیرگذاری بر اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی و دینی در جهان معاصر: تا پیش از وقوع انقلاب اسلامی و حضور فعال انقلاب در عرصه‌های علمی جهانی، موضوعاتی پذیرفته شده بودند که با وقوع انقلاب اسلامی، به چالش کشیده شدند. برای نمونه، تئوری‌های علمی در دانش‌هایی مانند جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، روان‌شناسی و فلسفه پدید آمده بود که امکان نقش‌آفرینی دین در عرصه‌های اجتماعی، روان‌شناختی و تربیتی را نفی می‌کردند؛ اما با تحقق انقلاب و فعالیت‌های علمی آن، دوباره تأثیرگذاری دین در این عرصه مطرح شده است (اعرافی، بی‌تا، همایش «امام و جهان اسلام»، ۱۵/۳/۱۳۸۳).

هشتم. ایجاد نهضت ترجمه و عرضه تراث: بخش‌های بین‌المللی حوزه‌های علمیه موفق شده‌اند که با پرورش مترجمان داخلی و مترجمانی از سایر کشورهای جهان، تراث معارفی قرآنی و حدیثی و آثار تولیدشده در عرصه‌های گوناگون علوم اسلامی را به زبان‌های زنده دنیا ترجمه کنند. به‌ویژه حضور طلاب از بیش از ۱۲۰ کشور جهان در شعب بین‌المللی حوزه‌های علمیه موجب شده که زمینه برای ترجمه آثار به‌وسیله مترجمان بومی مناطق گوناگون جهان که با علوم اسلامی نیز آشنا شده‌اند، فراهم شود (اعرافی، بی‌تا، گزارش اداره کل برنامه‌ریزی تحقیقات، ۳۰/۶/۱۳۸۴).

نهم. احیای نقش دین در زندگی بشر معاصر: تا پیش از انقلاب، رویکردی مبنی بر پایان نقش‌آفرینی دین در زندگی بشر ایجاد شده بود؛ اما انقلاب اسلامی با ارائه گفتمانی جدید، دوباره اهمیت و جایگاه دین در زندگی بشر را به جهانیان معرفی کرد (اعرافی، بی‌تا، طلاب مؤسسه اندیشه شرق، ۱۵/۱۱/۱۳۹۱).

جدول شماره ۳. وضعیت کنونی حوزه در اسلامی سازی علوم انسانی

عدم شناخت صحیح از شرایط زمان و جامعه	نقطه ضعف‌ها	مهم‌ترین شاخصه‌های وضعیت کنونی حوزه در علوم انسانی
عدم گسترش کمی در عرصه‌های علمی		
عدم گسترش محتوایی حوزه در عرصه‌های مورد نیاز		
بهره نگرفتن صحیح و کامل از استعدادهای موجود		
ضعف در سازماندهی و نظم در تحقیقات حوزوی		
ضعف در استفاده از تکنولوژی		
کثرت موضوعات و نیازهای عرضه‌شده به حوزه		
ضعف در روش‌های تحقیق		
بهره‌مندی از تراث علمی و محتوایی ارزشمند	نقطه قوت‌ها	
عمق علمی حوزه‌های علمیه		
بهره‌مندی از امتیازات فلسفه اسلامی		
تحجّر و میل به عدم تحول در برخی بخش‌های حوزه	تهدیدها	
خطرات ناشی از کج‌فهمی و عدم درک صحیح واقعیت‌های جامعه		
به بازار آمدن اندیشه‌های مغشوش در خلأ اندیشه‌های ناب		
رقیب‌سازی برای فلسفه اسلامی در ایران		
وجود مخالفت‌ها و موانع فراوان در مسیر رشد فلسفه اسلامی		
حضور در معادلات جهانی	فرصت‌ها	
بهره‌مندی حوزه از استعدادهای درجه یک و فضایی جوان		
حضور فعال در عرصه دانش و تولید معارف جهانی		
ایجاد شبکه جهانی علمی		
رقابت پویا با جریان‌های فکری رقیب		
تأثیرگذاری بر اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی و دینی در جهان معاصر		
ایجاد نهضت ترجمه		
احیای نقش دین در زندگی بشر معاصر		

۶. پیش‌نیازهای تحول در علوم انسانی

اول. مشخص کردن اهمیت علوم انسانی در حوزه فرهنگ عمومی و اعتقادات مردمی و باور مسئولان (شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، ۱۳۸۵/۱۱/۰۲).

دوم. بسترسازی حاکمیتی و قانونی برای تحول علوم انسانی (شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، ۱۳۸۵/۱۱/۰۲).

سوم. طراحی منظومه علمی کشور: منظومه علمی کشور باید یک منظومه کامل باشد تا اموری مانند شناسایی نیازها و ایجاد تناسب میان فعالیت بخش‌های مختلف علمی کشور و پیشگیری از پیشرفت کاریکاتوری را تأمین کند (استادان دانشگاه‌ها، ۱۳۹۰/۰۶/۰۲).

چهارم. تسری هویت علمی حوزه به غیر فقه و اصول (فضای حوزه، ۱۳۸۹/۰۸/۰۲).

پنجم. جریان‌شناسی و آشنایی با زمانه و حقایق جهان (استادان دانشگاه‌ها، ۱۳۹۰/۰۶/۰۲) و پژوهش و آگاهی از حقایق و معارف عالم و وضع علمی دنیا (فضای قم، ۱۳۷۰/۱۲/۰۱).

ششم. مدیریت جهادی و اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم» (بیانیه گام دوم).

هفتم. ارتباط فعال علمی با جامعه ملی درون کشور و جامعه فراملی (فضای حوزه، ۱۳۸۹/۰۸/۰۲).

هشتم. ارتقا و بهبود نظام پژوهشی حوزه (فضای قم، ۱۳۷۹/۰۷/۱۴).

نهم. تقویت جرئت و خودباوری علمی و اعتمادبه‌نفس علمی: حوزه و فضای حوزه باید به اعتمادبه‌نفس علمی رسیده و اتکای به نفس داشته باشند (فضای حوزه، ۱۳۸۹/۰۸/۰۲)؛ به‌ویژه در واکنش به تلاش غرب برای از بین رفتن روح خودباوری و اعتمادبه‌نفس برای تولید علم و عمال داخلی غرب برای القای ناتوانی در تولید علم، به ترویج و تقویت جرئت و خودباوری علمی و اعتمادبه‌نفس علمی پرداخت (استادان امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۰۹).

دهم. تقویت جایگاه و منزلت علوم انسانی به‌ویژه تعمیق شناخت معارف دینی و مبانی انقلاب اسلامی (سیاست‌های کلی «علم و فناوری»، ۱۳۹۳/۰۶/۲۹).

۷. سیاست‌ها در عرصه اسلامی‌سازی علوم

آیت‌الله خامنه‌ای سیاست‌ها و قواعدی کلی نیز برای تحول علوم انسانی و حضور حوزه در این عرصه بیان کرده است:

اول. بهره‌گیری از روحیه استقلال، اخلاص و توکل به خدا (جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳/۰۴/۰۱)؛

دوم. ترویج دین، معنویت و اخلاق در فضاها (استادان دانشگاه‌ها، ۱۳۹۰/۰۶/۰۲)؛

سوم. بهره‌گیری از مسیر متناسب با هویت ایرانی اسلامی (استادان و دانشجویان شیراز، ۱۳۸۷/۰۲/۱۴)؛

چهارم. ایستادگی علمی در برابر جهان غرب (استادان دانشگاه‌ها، ۱۳۹۰/۰۶/۰۲)؛
پنجم. سرعت بخشی به فعالیت‌ها در عرصه علوم انسانی (حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۹/۰۱/۰۱)؛
ششم. پرهیز از شتاب زدگی و عقب ماندگی: فعالیت در عرصه علوم انسانی باید بدون شتاب زدگی و در
بلندمدت انجام شود (استادان دانشگاه، ۱۳۹۳/۰۴/۱۱)؛
هفتم. تقویت روحیه پرکاری (استادان دانشگاه، ۱۳۸۵/۰۷/۱۳).

۸. راهبردهای اسلامی سازی علوم انسانی

با تحلیل دیدگاه‌های آیت الله خامنه‌ای پیرامون اسلامی سازی علوم انسانی و نقش آفرینی حوزه در این
عرصه، می‌توان این راهبردها را استنباط کرد:

اول. تولید نگاه علمی برای جمع آوری، مدون و نظام مند کردن تراث و علوم اسلامی بومی و استفاده از
علوم غربی (استادان دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹).

دوم. تدوین مبنای علمی و فلسفی تحوّل علوم انسانی (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۰۹/۱۹).
سوم. تولید بنیان‌های علوم انسانی مبتنی بر تفکر اسلامی و اشراق جهان بینی اسلامی در علوم انسانی موجود
(فضای حوزه، ۱۳۸۹/۰۷/۲۹). در تبیین تفاوت این مبانی با مبانی یادشده در راهبرد پیشین باید
دقت داشت که مبانی ذکرشده در بند پیشین، مبانی تحول علوم انسانی محسوب می‌شوند؛ اما مبانی
کنونی، مبانی خود علوم گوناگون انسانی به شمار می‌آیند. باید توجه داشت که صرفاً با حاشیه زنی
نمی‌توان علوم انسانی را اصلاح کرد، زیرا علوم انسانی، بر مبانی جهان شناختی تمدن غرب مبتنا دارد؛
بنابراین باید به تولید مبانی علوم انسانی بر مبنای جهان بینی اسلامی و الهی پرداخت و این مبانی را مبدأ
تولید علوم انسانی جدید قرار داد یا به کمک آن، به اصلاح علوم انسانی پیشین و اشراق مبانی اسلامی
در این علوم پرداخت (شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، ۱۳۸۵/۱۱/۰۲). حوزه علمیه در این
زمینه نقش اساسی دارد و باید پایه‌های علوم انسانی را مبتنی بر تفکر اسلامی و جهان بینی اسلام کشف
و عرضه کند (فضای حوزه، ۱۳۸۹/۰۸/۰۲). در این راهبرد، باید به چند نکته توجه شود:

۱. محوریت بخشی به قرآن در تولید مبانی علوم انسانی (درس خارج فقه، ۱۳۷۰/۰۶/۳۱؛ بانوان
قرآن پژوه کشور، ۱۳۸۸/۰۷/۲۸)؛

۲. بهره گیری از تراث حدیثی (پیام به دارالحدیث، ۱۳۷۴/۰۸/۲۲)؛

۳. محوریت بخشی به فلسفه در تأمین بنیان‌های فکری علوم انسانی، پاسخگویی به نیازها و
امتداد بخشی فلسفه در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی (فضای قم، ۱۳۸۹/۰۷/۲۹؛ نخبگان
حوزوی، ۱۳۸۲/۱۰/۲۹).

چهارم. فراوری مفاهیم و گزاره‌های بنیادین: مواد و مفاهیم اساسی‌ای که براساس آن می‌توان حقوق، اقتصاد، سیاست و سایر بخش‌های اساسی علوم انسانی را شکل داد و تولید و فراوری کرد، به معنای حقیقی کلمه در فرهنگ عریق و عمیق اسلامی ما وجود دارد و باید از آن‌ها استفاده کنیم (۱۳۸۲/۰۸/۰۸).

پنجم. دخالت دادن مراکز علمی در حل مشکلات کشور و ایجاد چرخه تولید ایده علمی تا مصرف (استادان دانشگاه‌ها، ۱۳۹۰/۰۶/۰۲): امروزه در زمینه‌های گوناگون، هم برای نظام اسلامی، هم در سطح کشور، هم در سطح جهان نیازهای علمی گوناگونی وجود دارد. برای مثال تبیین معرفت‌شناسی اسلام، تفکر اقتصادی و سیاسی اسلام، مفاهیم فقهی و حقوقی‌ای که پایه‌های آن تفکر اقتصادی و سیاسی را تشکیل می‌دهد، نظام تعلیم و تربیت و مفاهیم اخلاقی و معنوی، ازجمله این موارد هستند. حوزه‌های علمیه باید پاسخ به این نیازها را دقیق، علمی، قانع‌کننده و ناظر به اندیشه‌های رایج جهان آماده و فراهم کنند (فضای قم، ۱۳۸۹/۰۷/۲۹). در این میان، تبیین نظریه حاکمیت اسلام در همه امور زندگی و شئون بشری به وسیله حوزویان (درس خارج، ۱۳۸۰/۰۶/۱۹) و ایجاد نهضت پاسخگویی علمی حوزه به سؤالات نظری و عملی جامعه (پاسخ به نامه در مورد کرسی‌های نظریه‌پردازی، ۱۳۸۱/۱۱/۱۶) اهمیتی ویژه دارد.

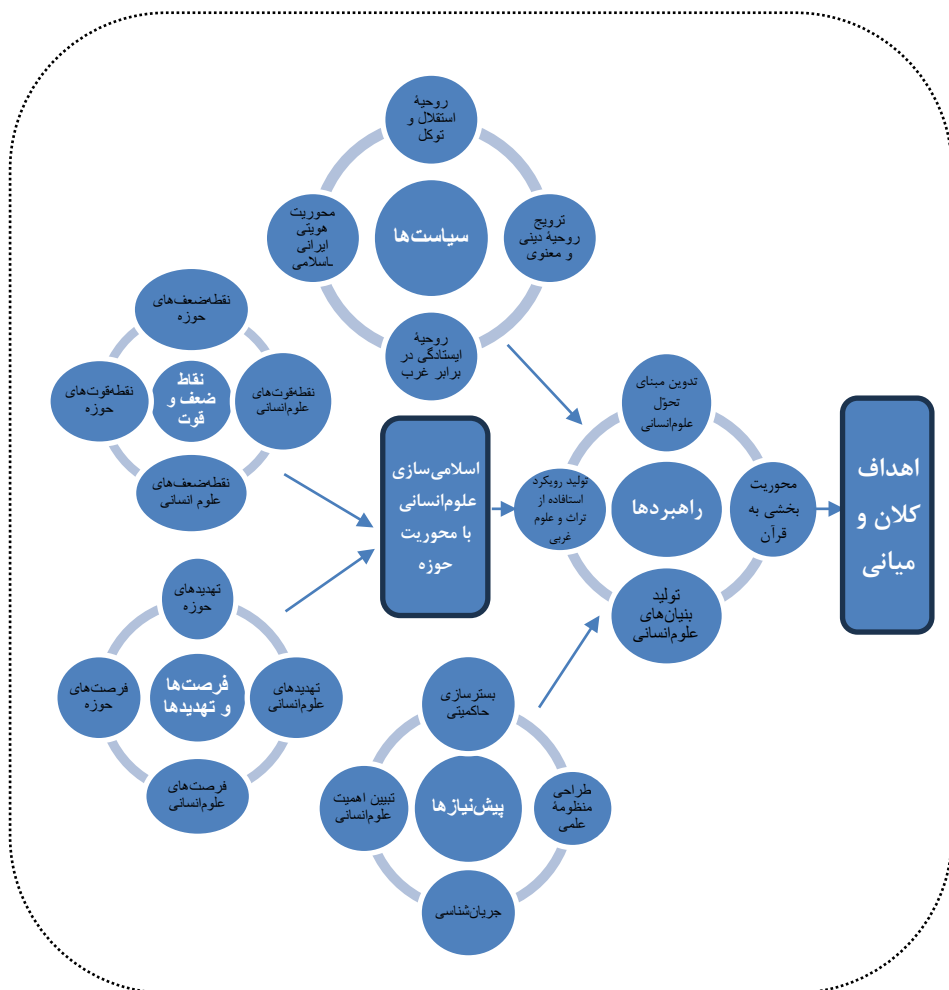
ششم. تلاش برای به‌روز شدن و مطابقت تولیدات علمی حوزه با نیازهای عصر کنونی (طلاب حوزه مشهد، ۱۳۷۶/۰۴/۲): به‌ویژه با توجه به اینکه بنیه اصلی و استخوان‌بندی حوزه علمیه را فقه تشکیل می‌دهد، باید آموزش و تولید در عرصه فقه، با شناخت نیازهای زمانه همراه شود (شورای عالی حوزه قم، ۱۳۷۷/۰۷/۰۹). امروزه، مطابقت با نیازهای زمان، فقط به عرصه ارتباط با ملت‌های مسلمان محدود نمی‌شود و در این دوره، حتی ملت‌های غیرمسلمان، به احکام اسلامی نیاز دارند؛ اکنون، هوشمندترین انسان‌ها در کشورهای مختلف، به خط اسلام، روی آورده‌اند؛ زیرا می‌دانند که اسلام، راه عزت و راه نجات است. بنابراین باید حوزه‌های علمیه، ناظر به نیازهای تمام مردم جهان، به تولید علم بپردازند (روحانیون، ۱۳۶۹/۱۲/۲۲).

هفتم. ارتقای دانش‌های حوزوی برای پاسخگویی به نیازهای علوم انسانی: باید با تقویت بنیه علمی حوزه و حوزویان و ارتقای دانش‌های حوزوی، زمینه را برای پاسخگویی به نیازهای علوم انسانی تأمین نمود (ر.ک: درس خارج، ۱۳۸۰/۰۶/۱۹). برای مثال، حکمت و کلام، به مثابه تأمین‌کننده شالوده اساسی نظام فکری و نظام عملی و نظام سیاسی امروز است؛ بنابراین باید محصلین فلسفه اسلامی ضمن شناخت دانش‌های غربی، توانایی پاسخگویی به موضوعات نوین در عرصه‌هایی مانند علوم سیاسی را تأمین کنند (درس خارج، ۱۳۷۲/۰۶/۲۱). فلسفه یک جزء اجتناب‌ناپذیر و یک ابزار برش جهانی و بین‌المللی است و نفوذ تمدن غرب در جوامع و تحمیل فرهنگ خودشان عمدتاً با ابزار فلسفه صورت گرفته است (شورای عالی حوزه، ۱۳۸۳/۱۰/۰۳)؛ بنابراین باید برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های فلسفه اسلامی، فعالیت‌های علمی ویژه‌ای صورت بگیرد و فلسفه به محور عقلانیت و ذهنیت نوین جامعه

- تبدیل شود (جامعه مدرسین حوزه قم، ۱۳۸۴/۰۷/۰۹).
- هشتم. انتخاب روش‌ها و ابزارهای نو و کارآمد و مبتکرانه (فضای حوزه، ۱۳۸۹/۰۸/۰۲؛ مراسم فارغ‌التحصیلی مؤسسه امام خمینی، ۱۳۷۵/۰۸/۱۱؛ برخی از نکات درخور توجه در این زمینه عبارت‌اند از:
 ۱. آشنایی حوزه با سبک‌های نوین تحقیق (درس خارج، ۱۳۷۰/۰۶/۳۱)؛
 ۲. ترمیم افکار و روش‌های علمی که از دور خارج شده‌اند (طلاب مشهد، ۱۳۷۶/۰۴/۲۲)؛
 ۳. ایجاد مراکز I.S.I اسلامی (رؤسای دانشگاه‌ها، ۱۳۸۳/۱۰/۱۷)؛
 ۴. ایجاد مجله‌های تخصصی در حوزه (درس خارج، ۱۳۷۳/۰۶/۲۰)؛
 ۵. تحقیق و تألیف در موضوعات علمی و نشر مقالات علمی (اعضای «جامعه المصطفی العالمیه»)، ۱۳۸۷/۱۱/۰۷؛ مجمع نمایندگان طلاب، ۱۳۶۸/۰۹/۰۷)؛
 ۶. ترویج تحقیق گروهی (درس خارج، ۱۳۷۰/۰۶/۳۱).
- نهم. حفظ مرکزیت حوزه در تحقیق و تفکر پیرامون موضوعات علمی - اسلامی (درس خارج، ۱۳۷۸/۰۶/۲۸).
- دهم. حضور فعال حوزه در صحنه‌های علمی دنیا (طلاب قم، ۱۳۸۹/۰۷/۲۹).
- یازدهم. اتخاذ خط اعتدال میان تحجر و خودباختگی و حرکت در جهت نشاط اجتهادی و تولید فکر علمی و دینی (پاسخ به نامه در مورد کرسی‌های نظریه‌پردازی، ۱۳۸۱/۱۱/۱۶).
- دوازدهم. حرکت به سمت نگاه ایجابی و تولید دانش (بانوان قرآن‌پژوه کشور، ۱۳۸۸/۰۷/۲۸) و تبدیل رویکرد مصرف‌کنندگی علم به رویکرد تولید علم (استادان دانشگاه، ۱۳۹۷/۳/۲۰).
- سیزدهم. ایجاد تسلط علمی لازم برای نظریه‌سازی، تولید و بومی‌سازی علم (مراسم بیست‌وهفتمین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۳۹۵/۰۳/۱۴) و استخراج نظریات اسلامی به‌وسیله حوزه (فضای قم، ۱۳۸۹/۰۷/۲۹؛ استادان و دانشجویان شیراز، ۱۳۸۷/۰۲/۱۴)؛ باید توجه داشت که تولید فکر اسلامی بدون حضور فعال علمای اسلام میسر نیست (فضای قم، ۱۳۷۹/۷/۱۴).
- چهاردهم. تأمین چارچوب‌های لازم برای نظریه‌پردازی، نواندیشی و نوآوری (طلاب مشهد، ۱۳۷۶/۰۴/۲۲)؛ در این زمینه باید به این موضوعات توجه شود:
 ۱. ایجاد محیط‌های باز برای پرورش افکار (فضای قم، ۱۳۷۴/۰۹/۱۴)؛
 ۲. پرسش‌آفرین بودن مجموعه حوزه (فضای حوزه، ۱۳۸۹/۰۸/۰۲)؛
 ۳. ترویج آزاداندیشی (فضای حوزه، ۱۳۸۹/۰۸/۰۲)؛
 ۴. ترویج نواندیشی علمی و تبدیل «تولید نظریه و فکر»، به یک ارزش عمومی (دانشجویان و استادان دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۳۷۹/۱۲/۰۹؛ پاسخ به نامه در مورد کرسی‌های نظریه‌پردازی، ۱۳۸۱/۱۱/۱۶)؛

۵. جلوگیری از آنارشیزم و مهمل‌گویی علمی: باید توجه داشت که نوآوری به معنای آنارشیزم و مهمل‌گویی علمی نیست و باید نوآوری روشمند و ضابطه‌مند انجام شود (استادان امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۰۹)؛
 ۶. ایجاد فضای انتقادی سالم و کرسی‌های نظریه‌پردازی و آزاداندیشی (پاسخ به نامه در مورد کرسی‌های نظریه‌پردازی، ۱۳۸۱/۱۱/۱۶)؛
 ۷. تمهید «فرصت برای نظریه‌سازان» و سپس «نقد و بررسی» (پاسخ به نامه در مورد کرسی‌های نظریه‌پردازی، ۱۳۸۱/۱۱/۱۶)؛
 ۸. ترویج انصاف ورزیدن در برخورد با موضوعات علمی (فضای حوزه، ۱۳۸۹/۰۸/۰۲)؛
 ۹. عدم سرکوب آرای مخالف مشهور (فضای حوزه، ۱۳۸۹/۰۸/۰۲)؛
 ۱۰. برقراری مناظره‌های قانونمند و توأم با امکان داوری (پاسخ به نامه در مورد کرسی‌های نظریه‌پردازی، ۱۳۸۱/۱۱/۱۶).
- پانزدهم. مذاقه در ابعاد تمدنی دین اسلام و فرهنگ غرب (روحانیون، ۱۳۷۵/۰۲/۲۶).
- شانزدهم. جداسازی علوم انسانی نوین از ریشه‌های ضددینی؛ این امر از یک سو به تسلط بر مبانی الهی و از سوی دیگر تسلط بر علوم انسانی غربی مبتنی است (کنگره قرآن و علوم انسانی، ۱۳۹۶/۰۳/۰۱).
- هفدهم. تأمین نیروی انسانی شایسته، خبره، نخبه و بانگیزه: در این راهبرد، این نکات باید مد نظر باشند:
۱. شناسایی، سازماندهی جذب افراد نخبه، مستعد و بانگیزه (ابلاغ سیاست‌های کلی «علم و فناوری»، ۱۳۹۳/۰۶/۲۹؛ نخبگان علمی، ۱۳۹۵/۰۷/۲۸)؛
 ۲. تربیت و بهره‌گیری از متخصصین خبره در به‌روزرسانی علوم انسانی: با حضور و فعالیت انسان‌های خبره و اهل تعمق است که ارتقای علوم انسانی می‌تواند به موفقیت مطلوب برسد و خاص غیرمتخصص و مدعی نمی‌توانند خروجی مطلوبی داشته باشند (سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۳۹۵/۰۳/۱۴). بنابراین جذب تربیت‌اندیشمندان خبره و نسل شجاع، باسواد، دین‌دار، خودباور و پیشگام، اهمیتی ویژه دارد (استادان دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹؛ نخبگان علمی، ۱۳۹۵/۰۷/۲۸)؛
 ۳. ایجاد رشته‌های آموزشی تخصصی و بهبود مواد درسی (محیطی و مصباح، ۱۳۹۱).
- هجدهم. تشکیل هسته‌های نخبگانی؛ این هسته‌ها باید از ترکیب استادان و نخبگان جوان ایجاد شود (نخبگان علمی، ۱۳۹۵/۰۷/۲۸).
- نوزدهم. هم‌افزایی مجموعه‌هایی علمی و آموزشی (استادان دانشگاه، ۱۳۹۳/۰۴/۱۱)؛ در این زمینه به‌ویژه ایجاد قربات میان حوزه و دانشگاه و حرکت به سمت وحدت اهمیت بسیاری دارد. این وحدت به معنای وحدت در اهداف کلی، متصل بودن، خوش‌بین بودن به یکدیگر و همکاری و همراهی با

یکدیگر است (دانشجویان و طلاب، ۱۳۷۲/۰۹/۲۴).
 بیستم. بهره‌گیری از علوم انسانی غربی و در عین پرهیز از تقلید (دانشجویان، ۱۳۹۰/۰۵/۱۹).
 بیست و یکم. پیدا کردن راه‌های میان‌بر و کشف‌نشده؛ با توجه به جلو بودن برخی کشورها در عرصه علمی، برای رقابت با آن‌ها باید بر پیدا کردن راه‌های میان‌بر و کشف‌نشده تمرکز پیدا کرد (استادان دانشگاه، ۱۳۸۵/۰۷/۱۳؛ جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳/۰۴/۰۱).
 بیست و دوم. ارائه محصولات به بازار کار علمی (شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، ۱۳۸۵/۱۱/۰۲).



شکل شماره ۵. نمودار الگوی اسلامی سازی علوم انسانی با محوریت حوزه

بیست و سوم. متناسب سازی ورودی و خروجی مراکز علمی متناسب با نیازهای کشور: باید ورود محصلین به مراکز علمی کشور در عرصه علوم انسانی، متناسب با نیازهای کشور باشد و از ورود بی قاعده محصلین به این مراکز جلوگیری شود (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۴/۱۰/۱۳).

نتیجه گیری

حرکت جامع و صحیح در مسیر اسلامی سازی علوم انسانی، نیازمند پیروی از الگویی جامع است؛ بنابراین باید برای کشف الگوی جامع اسلامی سازی علوم انسانی با تمرکز بر نقش حوزه های علمیه، تلاش کرد. همچنین با توجه به اشراف آیت الله خامنه ای و برخی بزرگان حوزه، بر شرایط علمی حوزه های علمیه و دانشگاه ها، از یک سو و اشراف آن ها بر غایات و انتظارات از علوم انسانی اسلامی در سطوح گوناگون اجتماعی و تمدنی، باید در استخراج این الگو، بر دیدگاه این بزرگان تمرکز کرد. در الگوی مستنتج در این مقاله، بیان شد که تأمین مقدمات لازم برای تولید علم الهی با هدف سعادت بشر و تولید علوم انسانی برای ایجاد بنای شامخ تمدن نوین اسلامی، از جمله مهم ترین اهداف کلان و کشف بنیان های علوم انسانی مبتنی بر تفکر اسلامی و جهان بینی اسلام و اشراق جهان بینی اسلامی در علوم انسانی موجود و دستیابی به توانایی و مقدمات لازم برای تعمیق در رشته های گوناگون علوم انسانی از جمله مهم ترین اهداف میانی اسلامی سازی علوم انسانی هستند. برای ترسیم مسیر دستیابی به این اهداف، نیاز است که وضعیت کنونی جامعه علمی کشور و به ویژه حوزه های علمیه در این عرصه ترسیم شود و با شناسایی نقطه ضعف ها، تهدیدها، فرصت ها و نقطه قوت ها، شرایط کنونی و نقطه شروع حرکت به سمت اسلامی سازی علوم انسانی ترسیم شود. در این الگو، پیش نیازهای تحول در علوم انسانی و سیاست ها، شرایط علی اثرگذار بر تحول علوم انسانی محسوب شدند و راهبردهای اسلامی سازی علوم انسانی، اصلی ترین و کلان ترین اقدامات لازم برای دستیابی به اهداف نهایی، به شمار آمدند. در نقطه ضعف ها، موضوعاتی مانند نگاه تقلیدی به جهان غرب، تعارض مبانی علوم انسانی غربی با جهان بینی اسلامی و تحجر، تعبد، تسلیم و جزمی گری علمی، اهمیت بیشتری داشتند. در میان تهدیدها، تشکیل جبهه وسیع علمی و نظامی در مقابل ملت ایران و تلاش جهان غرب برای تبدیل علم به ابزار استعمار و تحقیر ملت ها، نقش پررنگی داشتند. در مقابل، وجود برخی علوم انسانی در تراث علمی و سازگاری جهان بینی دینی با علم و تشویق به علم در اسلام، به عنوان مهم ترین نقطه قوت ها و ایجاد جوشش درونی برای تحول علوم انسانی، درخشش جوان های متدین و دانشمندان جوان دینی در عرصه های علمی کشور و دچار مشکل شدن تئوری های غربی، به عنوان مهم ترین فرصت هایی به شمار می آیند که برای تحول علوم انسانی می توان به آن ها تکیه کرد. در لایه راهبردها نیز راهبردهایی مانند تولید نگاه علمی برای جمع آوری، مدون و نظام مند کردن تراث و علوم اسلامی بومی و استفاده از علوم غربی، تدوین مبانی علمی و فلسفی تحول علوم انسانی، تولید بنیان های علوم انسانی

مبتنی بر تفکر اسلامی و اشراق جهان‌بینی اسلامی در علوم انسانی موجود، دخالت دادن مراکز علمی در حل مشکلات کشور و ایجاد چرخه تولید ایده علمی تا مصرف و تلاش برای به‌روز شدن و مطابقت تولیدات علمی حوزه با نیازهای عصر کنونی در کلام آیت‌الله خامنه‌ای دارای تأکید و تکرار بیشتری بودند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان تضاد منافی اعلام نکرده‌اند.

منابع

- اعرافی، علیرضا (۱۳۹۵ الف). درآمدی بر/جتهاد تمدن‌ساز. قم: اشراق و عرفان.
- اعرافی، علیرضا (۱۳۹۵ ب). حوزه علمیه، چیستی، گذشته، حال و آینده. قم: اشراق و عرفان.
- اعرافی، علیرضا (بی‌تا). چراغ راه و زلال اندیشه. قم: جامعه المصطفی العالمیه. نسخه الکترونیک.
- اعرافی، علیرضا (۱۳۹۶). گفتارهایی در باب حوزه و تمدن و/انقلاب اسلامی. قم: اشراق و عرفان.
- پارسانیا، حمید (۱۳۸۵). علم و فلسفه. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جان‌احمدی، فاطمه (۱۳۸۸). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. تهران: معارف.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۸). بن‌بست امروز بشر. تهران: پیام آزادی.
- جمالی، مصطفی، کوثری، علی‌اصغر، و قربان زاده، مهدی (۱۳۸۶). نهضت نرم‌فزاری از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای. قم: پژوهشگاه فرهنگ و علوم انسانی.
- حسینی، سید حمیدرضا، و علی‌پور، مهدی (۱۳۹۱). درآمدی بر سیاست‌پژوهی تولید علوم انسانی اسلامی؛ آسیب‌ها و راهکارها. روش‌شناسی علوم انسانی، ۱۸(۷۰)، ۳۳-۵۷.

https://method.rihu.ac.ir/article_202.html

- حسینی، مالک (۱۳۹۳). حوزه علمی (تاریخ؛ ساختار؛ کارکرد). تهران: کتاب مرجع.
- حیدرپور، حسین (۱۳۹۴). فرایند اجرایی «تولید علوم انسانی اسلامی» از منظر آیت الله خامنه‌ای. مجموعه مقالات کنگره علوم/انسانی/اسلامی، ج ۵، ۲۲۱-۲۶۸.
- زرشناس، شهریار (۱۳۸۷). مبانی نظری غرب مدرن. تهران: کتاب صبح.
- شریفی، احمدحسین (۱۴۰۲). مبانی علوم/انسانی/اسلامی. تهران: مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدا.
- فروهی، آرمان، و عبداللهی، فاطمه (۱۴۰۳). طراحی مدلی برای نقش‌آفرینی روحانیون در تمدن‌سازی اسلامی براساس الگوی داده‌بنیاد. دوفصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، ۲۷(۲)، ۲۸۵-۳۱۲. doi: 10.22070/nic.2024.18578.1276
- فنائی، محمد (۱۳۷۷). دانش اسلامی و دانشگاه اسلامی. قم: مؤسسه امام خمینی.
- فنائی، محمد (۱۳۹۱). مواجهه دین‌داران با علوم جدید. روش‌شناسی علوم/انسانی، ۱۸(۷۲)، ۷-۳۰. https://method.rihu.ac.ir/article_188.html
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محیطی اردکان، محمدعلی، و مصباح، علی (۱۳۹۱). بایدها و نبایدهای اسلامی‌سازی علوم انسانی از دیدگاه علامه مصباح. معرفت فلسفی، ۱۰(۱)، ۱۶۵-۱۳۷. <https://ensani.ir/file/download/article/20140311150809-9722-118.pdf>
- معین، محمد (۱۳۶۰). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.
- موسوی، سید مهدی (۱۴۰۳). درآمدی بر علوم انسانی اسلامی در اندیشه‌ی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله). تهران: انقلاب اسلامی.

سایت‌ها

- www.khamenei.ir
- www.leader.ir

References

- Aarafi, A. (2016a). *An Introduction to Civilizing Ijtihad*. Qom: Eshragh va Erfan [In Persian].
- Aarafi, A. (2016b). *Hawzaw, what it is, past, present and future*. Qom: Eshragh va Erfan [In Persian].
- Aarafi, A. (2017). *Speeches on Hawzaw, Civilization and the Islamic Revolution*. Qom: Eshragh va Erfan [In Persian].
- Aarafi, A. (No date). *The Light of the Road and the Clarity of Thought*. Qom: Al-Mustafa Al-Alamiyah Society. Electronic version [In Persian].
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology, *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Braun, V., & Clarke, V. (2012). *Thematic analysis, in Cooper*. in H, Camic. P. M, Long. D. L, Panter. A. T, Rindskopf. D and Sher. K. J (Eds), *APA handbook of research methods in psychology*, Vol. 2: Research designs: Quantitative, qualitative, neuropsychological, and biological. Washington, DC: American Psychological Association.
- Fanai, M. (2008). *Islamic Knowledge and Islamic University*. Qom: Imam Khomeini Institute [In Persian].
- Fanai, M. (2012). Religious Encounter with New Sciences. *Methodology of Social Sciences and Humanities*. 18(72), 7-30. https://method.rihu.ac.ir/article_188.html [In Persian].
- Forouhi, A., & Abdollahi, F. (2004). Article "Designing a Model for the Role of Clerics in Islamic Civilization Based on the Data-Based Model". *Bi-Quarterly Scientific Journal of Fundamental Studies of Modern Islamic Civilization*, 7(2), 285-312. doi: 10.22070/nic.2024.18578.1276 [In Persian].
- Hassani, H., Alipour, M. (2012). An Introduction to the Policy Research of the Production of Islamic Humanities; Harms and Solutions. *Methodology of Humanities*, 18(70), 33-57. https://method.rihu.ac.ir/article_202.html [In Persian].

- Heydarpour, H. (2015). Article "The Implementation Process of "Production of Islamic Humanities" from the Perspective of Ayatollah Khamenei". *Proceedings of the Islamic Humanities Congress*, Vol 5, 221-268 [In Persian].
- Hosseini, M. (2014). *Hawzaw (History; Structure; Function)*. Tehran: Ketab-e Marja [In Persian].
- Jafari, M. (2000). *The Deadlock of Today's Humanity*. Tehran: Payam-e Azadi [In Persian].
- Jamali, M., Kowsari., & Ghorbanzadeh, M. (2007). *The Software Movement from the Viewpoint of the Supreme Leader*. Qom: Research Institute for Culture and Humanities [In Persian].
- Jan Ahmadi, F. (2009). *History of Islamic Culture and Civilization*. Tehran: Maarif [In Persian].
- Maguire, M., & Delahunt, B. (2017). Doing a Thematic Analysis: A Practical, Step-by-Step Guide for Learning and Teaching Scholars. *The All Ireland Journal of Teaching and Learning in Higher Education (AISHE-J)*, 8(3), 3351-3354.
- Majlesi, M. (1403 AH). *Bihar al-Anwar al-Jami'ah for the News of the Holy Imams*. Beirut: Dara Hayya al-Turaht al-Arabi [In Arabic].
- Moein, M. (1981). *Persian Dictionary*. Tehran: Amir Kabir [In Persian].
- Mohiti Ardakan, M., & Mesbah, A. (2012). The Dos and Don'ts of Islamizing the Humanities. *Philosophical Knowledge*, 10(1), 137-165. <https://ensani.ir/file/download/article/20140311150809-9722-118.pdf> [In Persian].
- Mousavi, M. (1984). *An Introduction to the Islamic Humanities in the Thought of His Eminence Ayatollah Khamenei (Muddathala)*. Tehran: Enghelab-e islami [In Persian].
- Parsania, H. (2006). *Science and Philosophy*. Tehran: Research Institute for Islamic Culture and Thought [In Persian].

- Sharifi, A. (2003). *Fundamentals of Islamic Humanities*. Tehran: Sadra Islamic Humanities Research Center [In Persian].
- Zarshenas, S. (2008). *Theoretical Foundations of the Modern West*. Tehran: Kitab-e Sobh [In Persian].

Websites

- www.khamenei.ir
- www.leader.ir